

باسمه تعالی

ریاضی، قرآن

بعد چهارم

خدمت استاد : عظیمی

۱۳۹۲

لزوم بیان معارف دینی و نکات اخلاقی

آموزش احکام دین و بیان روایت های پیشوایان اسلام در زمینه های اخلاقی و اعتقادی، راهی برای مسلح کردن فرزندان در برخورد با مکتب های انحرافی است. امام سجاد(ع) این گونه آموزش ها را از وظایف مهم پدران و مادران و از حقوق فرزندان می داند و خطاب به پدران و مادران می فرماید:

إِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ لَهُ مُثَابًّا عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مَعَاقِبًا عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ

تو (ای پدر و مادر!) درباره تربیت نیکوی فرزند خویش و هدایت او به سوی پروردگار و کمک به او در اطاعت پروردگار مسئولی. پس به این وظیفه مانند کسی عمل کن که می داند اگر به فرزندش نیکی کند، ثواب آن را می بیند و اگر بدی کند، عذاب خواهد شد.

دادن آگاهی های درست دینی و متناسب با نیازهای کودک و نوجوان به وی، نقش به سزایی در سرنوشت او خواهد داشت؛ زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می سازد و اگر این فکر و فرهنگ، بر آگاهی های منطقی و مستند دینی مبتنی باشد، زندگی جهت دینی و الهی می یابد. از این رو، آموزش احکام دینی به کودکان، در روشن گری ذهن آنها، ایجاد علاقه به امور دینی و نیز استواری در دین داری بسیار مهم است. از زمانی که کودک زبان به سخن گفتن می گشاید، دوره آموزش او شروع می شود و تا سنین رشد، مراحل را پشت سر می گذارد. براساس روایت های پیشوایان اسلام، سیر آموزش کودک مرحله به مرحله است. ابن عباس به نقل از پیامبر گرامی اسلام می گوید: «إِفْتَحُوا عَلَى صِبْيَانِكُمْ أَوَّلَ كَلِمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ اولین کلمه ای که بر زبان فرزندان می گذارید، «لا اله الا الله» باشد.

اهمیت پرداختن به اعجاز در قرآن

یکی از مصادیق بارز مهجور کردن فهم قرآن کریم ، تحجیر فهم قرآن است ، بدین معنی که فهم قرآن برای گروهی خاص ممکن است و برای عموم مردم راهی برای فهم آن نیست . در حالی که توصیه های مکرر و عمومی قرآن به تدبیر ، تفکر و سایر اقسام فهم ، شاهی بر بطلان این مدعی است . امروزه تلاش برای عمومی سازی فهم قرآن در توصیه و تشویق به مطالعه یافراگیری ترجمه و تفسیر محدود شده است و تدبیر به عنوان راهکار عمومی فهم قرآن ، همچنان امری غریب است که با وجود تاکیدات فراوان قرآن و معصومین (علیهم السلام) ، جایگاهی نیافته است ، زیرا چپستی ، ضرورت و روش آن به اندازه لازم شناخته شده نیست .

تدبیر در قرآن به معنی دریافت تدبیر موجود در قرآن است ، تدبیر موجود در قرآن ، نشان دهنده چپش حکیمانه قرآن توسط خداوند است ، پس ما باید برای دریافت این چپش حکیمانه تدبیر کنیم . تدبیر در قرآن به دلیل سفارش در آیات و روایات و معجزه بودن و عدم تحریف قرآن اهمیت دارد.

ابعاد اعجاز در قرآن کریم:

۱- پیشگویی های قرآن کریم:

الف) فتح مکه

صص ۸۵: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»
«آن که قرآن به تو داد ترا به مکه باز خواهد گردانید»
مُعَاد در اصل مَعَوْد بر وزن مَفْعَل اسم زمان و مکان است بمعنی: زمان و مکان برگشت. و در معنی دوم خود از جمله به "روز رستاخیز اطلاق شده به اعتبار اینکه زمان و مکان برگشتن به زندگی است"، و به زادگاه اطلاق می شود به اعتبار اینکه انسان هر جا برود نهایتاً به آن برمی گردد. و در آیه به مکه اطلاق شده که زادگاه محمد (ص) بوده است .

ب) پیش بینی رفتن انسان به فضا

عنکبوت ۲۲: «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»
«شما نه در زمین و نه در فضا هیچکدام نمیتوانید اراده خدا را شکست بدهید».

معنی ضمنی و تلویحی آیه این است که انسان روزی به فضا خواهد رفت و در فضا خواهد بود، که فعلاً تحقق یافته است.

ج) پیش بینی آلوده شدن محیط

روم ۴۱: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ».

«از کارهای مردم در دریا و خشکی فساد ایجاد خواهد شد».

در زبان عربی وقتی بخواهند اتفاق افتادن قطعی و محتوم کاری در آینده را بیان کنند از جمله از فعل گذشته استفاده می کنند (که گویی اتفاق افتاده است). به این خاطر این آیه مسئله ای مربوط به آینده را با فعل گذشته بیان نموده است.

نکته آیه: عملکردهای انسان در آینده (یعنی در زمان ما و آیندگان) در دریا و خشکی آلودگی ایجاد خواهد کرد:

این پیش بینی قرآن فعلاً تحقق پیدا کرده است. و آلودگی محیط چیزی است که همه با آن آشنائی داریم

د) بدن فرعون

یونس ۹۰ — ۹۲: «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ: أَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ — الْآنَ! وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ — فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِنَدِّكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ».

«و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. فرعون و سپاهیان وی بیدرنگ مسلحانه و فراتر از حد خود آنها را دنبال کردند، تا وقتی که داشت غرق میشد گفت: ایمان آوردم به اینکه خدائی غیر از خدائیکه بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) به او ایمان آوردند وجود ندارد و همیشه مسلمان خواهم بود — حالا! در حالیکه تا پیش از این از سپردن بنی اسرائیل سرباز زدی و همیشه نیز مفسد بودی — امروز فقط بدن تو را نجات میدهم تا برای افراد پس از خودت درسی باشد. هر چند خیلی از مردم از آیات ما غافلند».

واژه فرعون در لغت بمعنی: ساختمان باشکوه است. بعد به فرمانروایان مصر اطلاق شده، که اشاره ضمنی و تلویحی بوده به ساختمانهای بلند بالا و باشکوه آنها. تصویری که میبینیم تصویر همان فرعونی است که در زمان موسی بوده و از سپردن بنی اسرائیل به موسی سرپیچی کرده و موسی و همراهانش را تعقیب کرده و در دریا غرق شده. او **رامسز دوم** نام داشته است. پس از غرق شدن افراد باقیمانده دستگاه فرعون که با وی در تعقیب موسی نبوده اند او را از آب گرفته و مومیائی میکنند، و امروزه در معرض تماشای جهانیان است. چیزی که ۱۴۰۰ سال پیش قرآن آن را پیش بینی کرده است.

و) ۱۱ سپتامبر

همانطور که می دانید:

۱ - برجهای دوقلو ۱۰۹ طبقه داشتند؛

۲ - این حادثه در خیابان جرف هار نیویورک اتفاق افتاد؛

۳ - زمان حادثه ماه سپتامبر یعنی ماه نهم میلادی و در روز یازدهم این ماه اتفاق افتاد؛

حالا به این آیه از قرآن کریم دقت فرمایید:

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانَهَارٍ بِهٖ فِى نَارٍ جَهَنَّمَ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

ترجمه: آیا کسیکه مسجدی (بنائی) با نیت تقوی و خداپرستی بنا کرده و رضای حق را طالب است، مانند کسی است (قابل مقایسه است با کسی) که بنائی را بر پایه سستی در کنار سیلی که آن را ویران خواهد کرد ساخته؟ و عاقبت آن بنا از پایه به آتش دوزخ خواهد افتاد. و خداوند ستمگران را به هیچ راه سعادتى هدایت نخواهد کرد.

حالا به نکات قابل استخراج از آیه توجه کنید:

۱ – این آیه در سوره توبه یعنی سوره نهم قرآن کریم آمده که حاوی دو نکته است:

الف : سوره توبه که با بیزاری خداوند و رسولش از مشرکان آغاز می شود و آیات آن درباره مشرکین می باشد.

ب : شماره سوره قرآن که عدد ۹ بوده و آن را به ماه سپتامبر یعنی ماه نهم میلادی که حادثه در آن واقع شده ربط می دهیم.

۲ – این آیه در جزء یازدهم قرآن می باشد که آن را به روز حادثه یعنی ۱۱ سپتامبر ربط می دهیم.

۳ – شماره آیه ۱۰۹ می باشد که آن را به تعداد طبقات برجها ربط می دهیم.

۴ – و کلمه جرف هار در این آیه شریفه که نام خیابانی است که برجها در آن قرار داشتند که بنده خودم در تلویزیون در سالگرد این حادثه آن را به صراحت دیدم و خبرنگار در کنار تابلوی این خیابان ایستاده بود و گفت: اینجا خیابان جرف هار مکانی است که برجهای دوقلو در آن قرار داشت. و شما با یک جستجوی ساده در اینترنت به این مسئله واقف خواهید شد.

شاید برای شما این مطالب احراز شده باشد که این آیه از اعجاز و پیشگویی های قرآن کریم بوده که به نظر حقیر شکی در آن نیست بویژه آنکه معنی آیه کاملاً با این اتفاق همخوانی داشته و ان شاء الله تمامی بنیان های ظلم ریشه کن خواهد شد و دولت حقه حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء بر جهان استیلا خواهد یافت.

۲- اعجاز محتوایی:

الف) اعجاز اخلاقی

ب) اعجاز استدلالی

ج) اعجاز جدلی

د) اعجاز پزشکی- زایمان در آب – سوره حضرت مریم (س) آیات ۲۱ الی ۲۳

.

.

و اعجاز علمی در قرآن

الف) سرعت نور

اندازه گیری سرعت نور به روش های مختلف در زمانهای متفاوت:

تاریخ	آزمایش کننده	روش	نتیجه (km/s)
۱۸۴۹	فیزو (Fizeau)	چرخ دندانه دار	۳۱۳۰۰۰
۱۸۸۰	مایکلسون (Micelson)	آینه چرخان	۲۹۹۹۱۰
۱۹۰۷	رزا و درسی (D&R.)	نسبت یکاهای الکتریکی	۲۹۹۷۸۴
۱۹۲۳	مرسیه (Mercier)	موج رادیویی	۲۹۹۷۸۲
۱۹۲۶	آلبرت انیشتین	قانون نسبیت	۲۹۹۷۹۶
۱۹۵۲	فروم (Froom)	تداخل سنج میکروموجی	۲۹۹۷۹۶
۱۹۷۲	اوانسون (Evanson)	لیزر	۲۹۹۷۹۲,۴۵۶۹۲

آیه سوره معارج آیه ۴ :

نَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ

ترجمه:

فرشتگان و روح (فرشته مخصوص) به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است در يك روز به او عروج می کنند کردند که این معادل پنجاه هزار سال برای انسان است

طبق نظریه نسبیت وقتی چیزی سرعت بگیرد زمان برای او به نسبت ما کند احساس میشود و در دید ما خیلی طول میکشد.... زمان برای فرشته های در حال حرکت اسلام یک روز است و برای ما ۵۰۰۰۰ سال، خوب نظرتون چیه که برعکس عمل کنیم و سرعت یک فرشته قرآن را در حرکت به دستآوریم؟ همه میدانیم که فرمول اصلی انبساط زمان بر حسب سرعت این است:

$$T = T' \cdot \sqrt{1 - \frac{v^2}{c^2}}$$

که با یک این ور و آن ور کردن سرعت بر اساس انبساط میشود:

$$v = c \cdot \sqrt{1 - \frac{T'^2}{T^2}}$$

سال های قمری حدود ۳۴۵ روز دارند یعنی میزان اختلاف زمان ما با یک فرشته در حال حرکت ۳۴۵*۵۰۰۰۰ است. پس جایگزین میکنیم:

$$T = T' \cdot \sqrt{1 - \frac{v^2}{c^2}}$$

$$v = c \cdot \sqrt{1 - \frac{T'^2}{T^2}}$$

$$v = c \cdot \sqrt{1 - \frac{1^2}{(50,000 * 354)^2}}$$

$$v = c \times 0.999,999,999,999,998$$

$$v \approx c = 299,792,458$$

یعنی یک مقدار ناچیز کمتر از سرعت نور که آنهم به قول یکی از سایتها حتماً به دلیل آن است که فرشته یک وجودی دارد و جرمش صفر نیست!

بعد چهارم:

بنا و اساس عالم هستی بر علم است پس همه پدیده های طبیعی و ماوراء طبیعی باید بر پایه علم باشد.

یک بعدی خط

دو بعدی صفحه

سه بعدی فضا

اما بعد چهارم.... (پاور پوینت)

سرمایه انسان برای درک هر چه بهتر از ابعاد وجود هستی عقل می باشد ...

سرمایه انسان برای درک هر چه بهتر از بعد چهارم در برزخ بهره مندی از ایمان و بندگی است...

پس دنیا عرصه تکامل انسان برای صعود به ابعاد بالاتر هستی است از این رو دین موجب رشد کمالات وجودی انسان و امکان درک و بهره مندی کاملتر از (نعمات) در بعد چهارم است...

رجعت همان سیر نزولی در ابعاد است (بازگشت از بعد چهارم به بعد سوم)

رسیدن از یک بعد به صفر بعد (اختیار نقطه)

رسیدن از دو بعد یک بعد (اختیار خط) ... توجیه طی الارض

رسیدن از سه بعد دو بعد (اختیار صفحه)

رسیدن از چهار بعد سه بعد (اختیار فضا)

ب) زمان در بُعد چهارم (پدیده انبساط زمان انقباض فضا)

هر سال زندگی در بُعد چهارم معادل ۶۶۶۶۶ سال زندگی در بُعد سوم یا سال زمینی است.

«نَعْرِجُ الْمَلَائِكَةَ وَالرُّوحَ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا، وَنَرَاهُ قَرِيبًا» (معارف ج ۴-۷)

فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می‌روند، پس صبر کن صبری نیکو، زیرا آنان [عذاب] را دور می‌بینند، [ما] نزدیکش می‌بینیم.

۵۰- هزار سال زمینی؛ یعنی فقط ۹ ماه در بُعد چهارم است (معادل با رحم در دنیا)

- هر روز زندگی در بُعد چهارم معادل ۱۸۲ سال و ۷ ماه زمینی است.

- هر ساعت در بُعد چهارم معادل ۷ سال و ۷ ماه زمینی است.

- هر ساعت در بُعد چهارم معادل ۹۱ ماه و ۱۰ روز در بُعد سوم است.

۱۰۰۰- ماه معادل ۱۰,۹۵ ساعت یعنی ۱۰ ساعت و ۵۷ دقیقه است. (یک شب برزخی... ليله القدر خير من الف شهر)

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِيْنَ (مؤمنون/ ۱۱۳)

می‌گویند: یک روز یا پاره‌ای از یک روز ماندیم، از شما گران [خود] بپرس.

* شما چند ساعت است در روی زمین زندگی می‌کنید؟

۱۲۰- سال عمر در زمین معادل ۱۵ ساعت و ۴۵ دقیقه زندگی در بُعد چهارم است.

۸۰- سال عمر دنیوی معادل ۱۰ ساعت و ۳۰ دقیقه زندگی در بُعد چهارم است.

۶۰- سال زمینی معادل ۸ ساعت و ۱۵ دقیقه است.

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (نازعات/ ۶)

روزی که آن را می‌بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده‌اند.

- کسی که ۱۰۰ سال قبل مرده فقط ۱۳ ساعت و ۱۰ دقیقه در بُعد چهارم از مرگش می‌گذرد یعنی بخشی از یک روز.

ج) ستاره های تپنده

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲) النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)

(سوره الطارق (۸۶) آیه های ۱ الی ۳)

« سوگند به آسمان و طارق و تو چه می دانی که طارق چیست ؟ همان ستاره شکافنده {تاریکی ها} »

کلمه " طارق " اسم سوره شماره ۸۶ از ریشه کلمه "طرق" که معنای اولیه آن در عربی "ضربتی که باعث ایجاد صدا گردد " و یا به معنای " زدن " می باشد و در نظر اینکه معنای این کلمه "تپیدن " و "برخورد کردن سخت " می باشد توجه ما شاید به یک حقیقت علمی جلب می شود .

قبل از تجزیه و تحلیل این اطلاعات ابتدا به کلمه دیگری که برای توصیف این ستارگان در آیه بکار رفته است نگاهی بیاندازیم : عبارت "الطارق" در آیه فوق به معنی ستاره ای که شب را می شکافد در تاریکی را رخنه می کند ، در شب زاده می شود ، نفوذ کنان به جلو می رود ، ضربه زننده ، برخورد کننده ویا ستاره ای سریع و تیز می باشد .

علاوه بر آن حرف " و " توجه ما را به چیزهای که به آنها سوگند خورده می شود ، یعنی آسمان و طارق جلب می کند .

براساس تحقیقاتی که در دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۶۷ به انجام رسیده در سیگنال رادیویی با موجی منظم شناسائی شد .

تا قبل از آن زمان کسی نمی دانست یک جرم آسمانی وجود دارد که منبع امواجی منظم و ضربانی شبیه ضربان قلب است . در سال ۱۹۶۷ ستاره شناسان همچنین بیان کردند که ماده در حالت چرخ به دور محور خود چگالی مواد موجود در هسته بالا می رود و بنابراین میدان مغناطیسی ستاره افزایش یافته و بنابراین میدان مغناطیسی در قطبهای آن را تا یک تریلیون برابر میدان مغناطیسی زمین افزایش می دهد . آنها متوجه شدند که جرمی که با سرعت زیاد چرخش کرده دارای میدان مغناطیسی چنان قدرتمندی است که در هر بار چرخش خود پرتوهائی شامل امواج رادیویی بسیار قوی به شکل مخروطی ارسال می نماید . کمی پس از آن محقق شد که منبع این سیگنالها و علائم چرخش سریع ستاره های نوترونی می باشد . این ستاره های نوترونی تازه کشف شده " پالسار " نامیده می شوند این ستاره ها که در جهان انفجار سوپر نوا به پالسار تبدیل می شوند ، دارای بیشترین جرم بوده و درخشانترین و دارای بالاترین سرعت حرکت در جهان هستی هستند .

برخی از پالسارها ۶۰۰ بار در ثانیه دور می زنند .

کلمه " پالسار " از فعل انگلیسی " to pulse " گرفته شده است .

براساس فرهنگ لغات آمریکائی این کلمه به معنای تپیدن ، زدن (نبض) و از ضربان افتادن است . فرهنگ لغات این کار تا (encarla) آنرا ضربان با آهنگ منظم معنی کرده است ، حرکتی که با یک ریتم منظم و مستحکمی همراه باشد . در همین دیکشنری کلمه " pulse " که نام این نوع ستارگان از آن برگرفته شده است ، به معنای گسترش یافتن و منقبض شدن با یک ضربان قوی آمده است . پس از این اکتشاف ، مشخص شد که پدیده ای که در قرآن از آن قرآن کریم بنام "طارق" (ضربه زننده) یاد شده است در بر دارنده شباهت بسیاری با این ستارگان نوترونی که پالسار نامیده می شوند می باشد .

ستاره های نوترونی همزمان با تلاشی شدن ستارگان عظیم هسته ای به وجود می آیند جنس بسیار متراکم این ستارگان همراه با حرکت چرخش بسیار سریع آنها وزن و میدان مغناطیسی آنها به شدت فشرده می کند .

میدان مغناطیسی قدرتمند که از حرکت دورانی و سریع این ستارگان نوترونی به وجود می آید به عنوان دلیل انتشار امواج رادیویی قوی شده که قابل دریافت در کره زمین هستند .

در سومین آیه از سوره الطارق عبارت " النجم الثاقب " به معنای نفوذ کننده ادامه دهنده و سوراخ کننده نشان می دهد که طارق ستاره درخشانی است در تاریکی نفوذ کرده و به سیر خود ادامه می دهد .

عبارت " ادراک " در آیه "وماادراک ماالطارق" (و تو چه می دانی که طارق چیست) به درک مفهوم طارق اشاره می کند ، پالسارها که از فشرده شدن ستاره های چندین برابر بزرگتر از خورشید تشکیل می شوند جزو آن دسته از اجرام آسمانی هستند که درک آنها سخت و دشوار است و حالت پرسش آیه بر سختی درک این ستارگان در حال تپش تاکید می کند . (خداوند داناست به همه چیز) و با این توضیحات ستارگانی که از آنها در قرآن بنام طارق یاد شده است شباهتی بسیار با پالسارها دارند که در قرن بیستم میلادی مورد توجه قرار گرفتند و این معجزه علمی دیگری از قرآن را آشکار می سازد .

الف (روابط عددی بین لغات) اذکار ، تعبیر خواب ، و روابط ماهوی مانند عدد اتمی و جرم اتمی آهن در قرآن...

امام ۱۲ بار

کلمه مرد و زن ۲۴ بار در قرآن مقدس آمده است
 دنیا (یکی از نامهای زندگی): ۱۱۵ آخرت (نامی برای زندگی پس از این جهان): ۱۱۵
 ملائکه: ۸۸ شیاطین: ۸۸
 زندگی: ۱۴۵ مرگ: ۱۴۵
 سود: ۵۰ زیان: ۵۰
 ملت (مردم): ۵۰ پیامبران: ۵۰
 ابلیس (پادشاه شیاطین): ۱۱ پناه جوئی از شر ابلیس: ۱۱
 مصیبت: ۷۵ شکر: ۷۵
 صدقه: ۷۳ رضایت: ۷۳
 فریب خوردگان (گمراه شدگان): ۱۷ مردگان (مردم مرده): ۱۷
 مسلمین: ۴۱ جهاد: ۴۱
 طلا: ۸ زندگی راحت: ۸
 جادو: ۶۰ فتنه: ۶۰
 زکات: ۳۲ برکت: ۳۲
 عقل: ۸۳ نور: ۸۳
 زبان: ۲۵ موعظه (گفتار، اندرز): ۲۵
 آرزو: ۸ ترس: ۸
 آشکارا سخن گفتن (سخنرانی): ۱۸ تبلیغ کردن: ۱۸
 سختی: ۱۱۴ صبر: ۱۱۴
 محمد (صلوات الله علیه): ۴ شریعت (آموزه های حضرت محمد (ص)): ۴
 ساعه ۴۸ بار - ۲۴ بار تنها و ۲۴ بار با پیشوند

سجده ۳۴ بار - تعداد دفعات سجده در ۱۷ رکعت

حسنات ۱۸۰ بار سیئات ۱۸۰

رسول و مشتقات ۵۱۳ بار و نام ۲۸ پیامبر ۵۱۳ بار

رسل ۳۶۸ بار و الناس ۳۶۸ بار

محمد و احمد ۵ بار کلمه صلوات ۵

سرور ۴ بار و حزن ۴ بار

الحر ۴ بار و البرد ۴ بار

حزب الله ۳ و حزب الشیطان ۳ بار

مصیبه ۷۵ بار و شکر ۷۵ بار

جهر ۱۶ بار و علانیه ۱۶ بار

شده ۱۰۲ بار صبر ۱۰۲ بار

محبه ۸۳ بار و طاعه ۸۳ بار (ما احب الله من عساه)

بر ۲۰ ثواب ۲۰ بار

جحیم ۲۶ بار و عقاب ۲۶ بار

حرث ۱۴ بار زراعت ۱۴ بار

اجر ۱۰۸ بار عمل ۱۰۸ بار (لیس للانسان الا ما سعی)

ایمان و مشتقات ۸۱۱ بار علم و معرفت ۸۱۱ بار

رحمن ۵۷ بار رحیم ۱۱۴ بار

جزاء ۱۱۷ بار و مغفرت ۲۳۴ بار

عسر ۱۲ بار یسر ۳۶ بار

و نیز جالب خواهد بود به دفعاتی که کلمات زیر در قرآن ظاهر شده اند نگاهی داشته باشیم:

نماز: ۵

ماه: ۱۲

روز: ۳۶۵

دریا: ۳۲، زمین (خشکی): ۱۲

آیا می توان گفت که اینها همه بر حسب اتفاق در قرآن مجید آمده است؟

(ب) تعداد حروف و ارزش ابجدی

پدیده بی نظیری که در قرآن وجود دارد، در هیچ کتاب نوشته دست بشر یافت نمیشود. هر یک از عناصر قرآن دارای ترکیبی است ریاضی: سوره ها، آیات، لغات، تعداد حروف، تعداد کلمات هم خانواده، تعداد و انواع اسم های الهی، همگی دارای ترکیبی خاص هستند.

برای اولین بار در تاریخ، ما کتابی داریم با اثبات نویسندگی الهی- ترکیب ریاضی ماوراء انسانی.

کلمه " اسم " ۱۹ بار (و له الاسماء الحسنی) برابر با ارزش ابجدی کلمه واحد ۱۹ پس این معجزه موضوع و هدف اصلی قرآن را که همان "یکتایی خدا" است، تاکید می کند.

کلمه مبارکه " لا اله الا الله " ۱۹ بار در قرآن آمده است

کلمه " الله " به حروف ابجد ۶۶ و تعداد حروف سوره توحید ۶۶

و اما عدد نوزده مخرج مشترک سراسر سیستم ریاضی قرآن است. این پدیده خصوصا شگفت انگیز است و قتیکه در نظر داشته باشیم (۱) که قرآن در زمان جهالت و نادانی آشکار شد، و (۲) سوره ها و آیات وحی شده از نظر زمان و مکان وحی با هم فاصله بسیاری داشتند.

کلمه " اسم " ۱۹ بار کلمه " الله " ۲۶۹۸ بار (۱۹*۴۲)، کلمه " الرحمن " ۵۷ بار (۱۹*۳) و کلمه " الرحیم " ۱۱۴ بار (۱۹*۶) دیده می شود.

مسئله جالب اینکه در سوره اخلاص بعد از "قل هو الله احد" جمله "الله الصمد" آمده در صورتی که اگر "هو الصمد" می آمد ، جمله صحیح بود. از نظر دسترو زبانی باید "هو" می آمد اما با این حال "الله" آمده است ، اگر بجای "الله" "هو" می آمد ، سیستم ریاضی قرآن بهم می ریخت و این مسئله شباهت زیادی دارد به همان "اخوان" و "قوم" در سوره "ق". مانند بسم الله در سوره توبه و بسم الله مجریها و مرسیها (نظم رحمن و رحیم بهم می ریخت)

ابتدا باید بدانیم که چرا عدد مورد توجه خداوند ۱۹ است:

۱۹ ویژگی مهمی دارد که هیچ عدد دیگری آن ویژگی ها را ندارد:

همانطور که میبینید ۱۹ از ترکیب اولین عدد و آخرین عدد ساخته شده است؛

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ : همانا ابتدا از سوی خدا آمده ایم و در انتها به سوی او باز می گردیم.

همچنین در آیه ی ۳ سوره ی ۵۷ (۱۹×۳) آمده است :

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. همانطور که نمایان است در اینجا نیز خداوند خود را اول و آخر هر چیز معرفی میکند که همه ی امور به اراده ی اوست. نکته ی جالب تر این است که اگر شماره ی این آیه را در ۱۹ ضرب کنیم شماره ی سوره ی آن به دست می آید.

همچنین در آیه ی ۳۰ و ۳۱ سوره ی مدثر (۷۴) می توانیم دلایل وجود معجزه ی ۱۹ را بیابیم:

۳۰ و ۳۱ سوره مدثر:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عَدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَوِيَنَّ الَّذِينَ أَوْثَرُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أَوْثَرُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ
بر آن (دوزخ) نوزده (نگهبان) است (۳۰) "علیها تسعه عشر"

و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند قرار ندادیم تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند و ایمان کسانی که ایمان آورده اند افزون گردد و آنان که کتاب به ایشان داده شده و (نیز) مؤمنان به شك نیفتند و تا کسانی که در دلهاشان بیماری است و کافران بگویند خدا از این وصف کردن چه چیزی را اراده کرده است این گونه خدا هر که را بخواهد بیراه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و (شماره) سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند و این (آیات) جز تذکری برای بشر نیست (۳۱) .

پس عدد ۱۹ عبارتی امضاء الکترونیکی خالق بر روی هر آنچه که خلق کرده است می باشد .

۱- اولین آیه قرآن « بسم الله الرحمن الرحيم » دارای ۱۹ حرف عربی است.

۲- قرآن مجید از ۱۱۴ سوره تشکیل شده است و این عدد به ۱۹ قسمت است (۱۹×۶) .

۳- اولین سوره ای که نازل شده است سوره علق (شماره ۹۶) نوزدهمین سوره از آخر قرآن است ، ۱۹ آیه دارد شامل ۳۰۴ حرف دارد (۱۶×۱۹)

۴- سوره علق ۱۹ آیه دارد. آخرین سوره نصر شامل ۱۹ کلمه ، و اولین آیه آن نیز ۱۹ حرف دارد .

۵- سوره علق ۲۸۵ حرف (۱۹×۱۵) دارد .

۶- اولین بار که جبرئیل امین با قرآن فرود آمد ۵ آیه اولی سوره علق را آورد که شامل ۱۹ کلمه است.

۷- این ۱۹ کلمه ، ۷۶ حرف (۱۹×۴) دارد .

۸-دومین باری که جبرئیل امین فرود آمد ۹ آیه اولی سوره قلم (شماره ۶۸) را آورده که شامل ۳۸ کلمه است. (۲ × ۱۹) .

۹-سومین بار که جبرئیل امین فرود آمد ۱۰ آیه اولی سوره مزمل (شماره ۷۳) را آورد که شامل ۵۷ کلمه است. (۳ × ۱۹).

۱۰-چهارمین بار که جبرئیل فرود آمد ۳۰ آیه اولی سوره مدثر (شماره ۷۴) را آورد که آخرین آیه آن « بر آن دوزخ ۱۹ فرشته موکلند» می باشد. (آیه ۳۰) .

۱۱-پنجمین بار که جبرئیل فرود آمد اولین سوره کامل « فاتحه الکتاب» را آورد که با اولین بیانیه قرآن بسم الله الرحمن الرحیم (۱۹ حرف) آغاز می شود . این بیانیه ۱۹ حرفی بالفاصله بعد از نزول آیه «برآن دوزخ ۱۹ فرشته موکلند» نازل شد . این مراتب گواهی ارتباط آری از شبهه آیه ۳۰ سوره مدثر(عدد ۱۹) و اولین بیانیه قرآن «بسم الله الرحمن الرحیم» (عدد ۱۹) با سیستم ادعای اعجاز آمیز است که بر عدد ۱۹ بنا نهاده شده است.

۱۲-ما بین"بسم الله الرحمن الرحیم" جا افتاده (سوره ۹) و تکرار مجدد آن در (سوره ۲۷)، تعداد ۱۹ سوره وجود دارد. مجموع کلمات بین دو بسم الله ۳۴۲ (۱۹*۱۸)

ترکیب عددی ماوراء انسانی

سوره ۱ که شامل هفت آیه است به این شکل .بیابید برای هر سوره شماره هر آیه قرآن را بعد از تعداد آیات در آن سوره بنویسم نشان داده خواهد شد، ۶۷ ۱۲۳۴۵۶۷. در اینجا میخواهیم با نوشتن شماره آیات پهلوی هم عدد بزرگی بدست آوریم. برای پیدا کردن عددی که نماینده سوره ۲ است، ابتدا تعداد آیات در این سوره را مینویسیم، ۲۸۶، سپس شماره هر آیه را پهلوی هم. بنابراین، عدد نشان دهنده سوره ۲ به این شکل در می آید

۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۴ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵. دو عددی که نشان دهنده دو سوره هستند:

۷ ۱۲۳۴۵۶۷ و ۲۸۶ ۱۲۳۴۵..... ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶

این دو عدد را در کنار هم قرار میدهیم تا یک عدد تشکیل دهند، در نتیجه عدد زیر حاصل میشود:

۷ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۲۸۶ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶

این عمل را برای همه سوره های قرآن انجام میدهیم، بنابراین عدد بسیار طولی بدست می آوریم که شامل همه آیات قرآن است. عددی که نشان دهنده همه قرآن است، بر عدد ۱۹ قابل قسمت است، و شامل ۱۲۶۹۲ رقم است که همچنین بر ۱۹ قابل قسمت است.

تعداد آیات سوره های قرآن $n(1), n(2), \dots, n(114)$

۷ ۱۲۳۴۵۶۷ ۲۸۹ ۱۲۳۴۵..... ۲۸۹..... ۵ ۱۲۳۴۵ ۶ ۱۲۳۴۵۶

$$n(1)^1 2^3 \dots n(1) n(2)^1 2^3 \dots n(2) \dots n(11)^1 2^3 \dots n(11)^1$$

اولین عدد: این عدد بسیار طویل دارای ۱۲۶۹۲ رقم است (۶۶۸×۱۹) و شامل همه سوره ها در قرآن ایت. ابتدا تعداد آیات در سوره، و سپس شماره آیات. برنامه کامپیوتری خاصی که اعداد بسیار بزرگ را تقسیم میکند، نشان داده که این عدد طویل بر ۱۹ قابل قسمت است.

حالا بجای اینکه مجموع شماره آیات در هر سوره را قبل از شماره آیات قرار دهید، بپایید این مرتبه آنها را بعد از شماره آیات قرار دهید. بنابراین، عدد نشان دهنده سوره ۱ به این شکل در می آید ۱۲۳۴۵۶۷، بجای ۱۲۳۴۵۶۷، و عدد جدید برای سوره ۲ به این شکل خواهد بود ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵ ۲۸۴۲۸۵۲۸۶ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵. عدد نشان دهنده این دو سوره به شکل زیر خواهد بود:

1 2 3 4 5 6 7 7 , 1 2 3 4 5 2 8 4 2 8 5 2 8 6 2 8 6

این دو عدد را در کنار هم قرار می‌دهیم تا یک عدد طویل حاصل شود که نشانگر ۲ سوره اول است و به این شکل خواهد بود:

1 2 3 4 5 6 7 7 1 2 3 4 5 2 1 4 2 1 5 2 1 6 2 1 6

از آنجاییکه ما مجموع آیات هر سوره را در آخر هر سوره قرار میدهیم، باید جمع کل تعداد آیات (۶۲۳۴) را در آخر قرآن قرار دهیم. بنابراین، آخرین اعداد نشان دهنده آخرین سوره (۶ ۱۲۳۴۵۶) است، بدنبال آن، جمع کل تعداد آیات در قرآن (۶۲۳۴):

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۶ و ۶۲۳۴ >>> ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۶ ۶۲۳۴

با قرار دادن همه آیات سوره ها با یکدیگر، عدد طولی حاصل میشود که دارای ۱۲۶۹۶ رقم است و بر ۱۹ قابل قسمت است.

1234567 7 12345..... 286 286..... 12345 5 123456 6 6234

$$1^2 2^3 \dots n(1)n(1) \quad 1^2 2^3 \dots n(2)n(2) \dots \dots \dots 1^2 2^3 \dots n(114)n(114)$$

دومین عدد: شماره هر آیه در هر سوره و بدنبال آن تعداد آیات در هر سوره. آخرین ۱۱ رقم نشان داده شده در اینجا، آیه آخرین سوره است، و بدنبال آن تعداد آیاتش (۶)، بدنبالش جمع کل تعداد آیا شماره دار در قرآن (۶۲۳۴). عدد کامل و طویل بر

حال شماره هر سوره را هم بحساب می آوریم

شماره هر آیه در هر سوره را بنویسید، بدنبال آن شماره سوره، بدنبال آن تعداد آیات در سوره. بنابراین، عددی که نماینده سوره ۱ است به این شکل است: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۱۷ است که نماینده سوره ۲ است به این شکل است: ۲ ۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۴ ۵

۱۲۳۴ عددی که نماینده آخرین سوره است (۱۱۴) به این شکل است: ۶ ۱۱۴ ۵ ۶ ۱۲۳۴ دوباره جمع کل تعداد آیات (۶۲۳۴) به آخر اضافه میشود. این عدد که نشان دهنده همه قرآن است بر ۱۹ قابل قسمت است:

تعداد آیات سوره های قرآن $n(1), n(2), \dots, n(114)$

شماره سوره ها $s(1), s(2), \dots, s(114)$

۱۲۳۴۵۶۷ ۱ ۷ ۱۲۳۴۵ ۲۸۶ ۲ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵۶ ۱۱۴ ۶ ۶۲۳۴

$$1^2 2^3 \dots n(1)s(1) \quad 1^2 2^3 \dots n(2)s(2) \dots \dots \dots 1^2 2^3 \dots n(114)s(114)$$

سومین عدد: شماره هر آیه، بدنبال آن شماره سوره، سپس تعداد آیات در سوره. جمع کل تعداد آیات شماره دار بر آخر اضافه میشود. عددطویل(۱۲۹۳۰ رقمی) بر ۱۹ قابل قسمت است.

بجای قرار دادن تعداد آیات در هر سوره در آخر سوره، حال تعداد آیات را در ابتدای سوره قرار میدهیم. بنابراین، عدد نشاو دهنده سوره ۱ به این شکل است: ۱ ۱۲۳۴۵۶۷، بجای ۱۷ ۱۲۳۴۵۶۷، و عدد نشان دهنده سوره ۲ به این شکل است:

۲ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵، بجای ۲ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵. این عدد بسیار طویل که نشان دهنده همه قرآن است بر ۱۹ قابل قسمت است.

تعداد کل سوره ها قرآن S

تعداد کل آیات قرآن N

۳۳۳۴۱۰ ۶۲۳۴ ۱۱۴ ۱۷۲ ۲۸۶ ۳۲۰۰ ... ۱۱۳ ۵ ۱۱۴ ۶

$M \ N \ S \ s(1)n(1)s(2)n(2)....s(114)n(114)$

هشتمین عدد: مجموع کل شماره آیات (۳۳۳۴۱۰)، بدنبال آن تعداد آیات شماره دار (۶۲۳۴)، تعداد سوره ها (۱۱۴)، سپس شماره سوره ها و تعداد آیات هر سوره.

حالا ترتیب شماره سوره و تعداد آیات آنرا آنطور که در "هشتمین عدد" نشان داده شده است بر عکس میکنیم. بنابراین، اعدادی که نشان دهنده دو سوره اول است به این شکل میشود: ۷ ۱ و ۲ ۲۸۶، عدد کامل همچنین دارای ۴۷۴ رقم است و هنوز بر ۱۹ قابل قسمت است. و به این شکل است:

تعداد آیات سوره های قرآن $n(1), n(2), ..., n(114)$

شماره سوره ها $s(1), s(2), ..., s(114)$

مجموع همه آیات قرآن M

تعداد کل سوره ها قرآن S

تعداد کل آیات قرآن N

۳۳۳۴۱۰ ۶۲۳۴ ۱۱۴ ۷ ۱ ۲۸۶ ۲۲۰۰ ۳ ۵ ۱۱۳ ۶ ۱۱۴

$M \ N \ S \ n(1)s(1)n(2)s(2)....n(114)s(114)$

نهمین عدد: با عوض کردن ترتیب شماره سوره و تعداد آیات، هنوز عدد طولی حاصل میشود که بر ۱۹ قابل قسمت است. اگر مجموع شماره آیات سوره ۱ (۲۸) را بنویسیم، بدنبال آن مجموع شماره آیات سوره ۲ (۴۱۰۴۱)، و همینطور تا آخر قرآن دادمه دهیم، و جمع کل شماره آیات (۳۳۳۴۱۰) را در آخر قرار دهیم، عدد طویل حاصل (دهمین عدد) دارای ۲۷۷ رقم است، و بر ۱۹ قابل قسمت است.

مجموع شماره سوره ها $sn(1), sn(2), ..., sn(114)$

مجموع همه آیات قرآن M

۲۸ ۴۱۰۴۱ ۲۰۱۰۰ ۱۵ ۲۱ ۳۳۳۴۱۰

$sn(1)sn(2), ..., sn(114) \ M$

دهمین عدد: مجموع شماره آیات هر سوره قرآن، پهلوی یکدیگر نوشته شده است، و در آخر آن جمع کل شماره آیات (۳۳۳۴۱۰).

این عدد طویل (۲۷۷ رقمی) بر ۱۹ قابل قسمت است.

اگر تعداد سوره های قرآن را بنویسیم (۱۱۴)، بدنبال آن مجموع تعداد آیات شماره دار (۶۲۳۲)، بدنبال آن شماره هر سوره و مجموع شماره آیات آن سوره، عدد طویل که حاصل میشود (۶۱۲ رقمی) بر ۱۹ قابل قسمت است.

تعداد آیات سوره های قرآن $n(1), n(2), ..., n(114)$

مجموع شماره سوره ها $sn(1), sn(2), ..., sn(114)$

تعداد کل سوره ها قرآن S

تعداد کل آیات قرآن N

۱۱۴ ۶۲۳۴ ۱ ۲۸ ۲ ۴۱۰۴۱ ۳ ۲۰۱۰۰ ۱۱۳ ۱۵ ۱۱۴ ۲۱

$S \ N \ n(1)sn(1) \ n(2)sn(2).....n(114)sn(114)$

یازدهمین عدد: از تعداد سوره ها، بدنبال آن مجموع تعداد آیات شماره دار، سپس شماره هر سوره و مجموع شماره آیات آن، این عدد (۶۱۲ رقمی) حاصل میشود که بر ۱۹ قابل قسمت است.

بخاطر اینکه مبدا کسی فکر کند که هیچکدام از اجزاء قرآنی با این کد ریاضی هیبت انگیز بدون محافظ رها شده است، پس بیاید به اجزاء بیشتری توجه کنیم.

اگر تعداد سوره ها را بنویسیم (۱۱۴)، بدنبال آن مجموع تعداد آیات شماره دار، بدنبال آن جمع کل شماره همه آیات قرآن (۳۳۳۴۱۰)، بدنبال آن شماره هر سوره و آیات آن، عدد طولی بدست می آوریم (۱۲۷۱۲ رقمی) که بر ۱۹ قسمت است

تعداد آیات سوره های قرآن $n(1), n(2), ..., n(114)$

شماره سوره ها $s(1), s(2), ..., s(114)$

تعداد کل سوره ها قرآن S

تعداد کل آیات قرآن N

$$۱۱۴ \ ۱۲۳۴۵۶ \dots\dots\dots ۱۲۳۴۵۶۷ \ ۱۰۳۳۳۴۱ \ ۶۲۳۴ \ ۱۱۴$$

$$S \ N \ M \ s(۱)۱۲۳\dots n(۱) \ s(۲)۱۲۳\dots n(۲) \dots\dots\dots s(۱۱۴)۱۲۳\dots n(۱۱۴)$$

دوزادهمین عدد: اگر تعداد آیات هر سوره را پهلوی یکدیگر بنویسیم، عددی بدست می آوریم با ۲۳۵ رقم که بر ۱۹ قابل قسمت است. برای انجام این کار، مجموع تعداد آیات شماره دار قرآن را بنویسید (۶۲۳۴)، بدنبال آن تعداد آیات در هر سوره، و در آخر جمع کل تعداد آیات شماره دار در قرآن. عدد طویل حاصل بصورت زیر است:

تعداد آیات سوره های قرآن $n(۱), n(۲), \dots, n(۱۱۴)$

تعداد کل آیات قرآن N

$$۶۲۳۴ \ ۷۱۸۶ \ ۲۰۰ \ ۱۷۶ \dots\dots\dots ۱۲۷ \dots\dots\dots ۵۴۶۶ \ ۶۲۳۴$$

(مجموع آیات) (۴ سوره آخر) (سوره ۹) (۴ سوره اول) (تعداد آیات)

$$N \ n(۱) \ n(۲) \dots\dots\dots n(۱۱۴)N$$

اگر مجموع تعداد آیات شماره دار قرآن را بنویسیم (۶۲۳۴)، بدنبال آن تعداد سوره هاسیزدهمین عدد (۱۱۴)

دنبال آن شماره هر آیه در هر سوره، سپس در آخر تعداد آیات شماره دار قرآن را بنویسیم (۶۲۳۴)، و تعداد سوره ها (۱۱۴)، عدد حاصل دارای ۱۲۴۷۹ رقم است، و بر ۱۹ قابل قسمت است.

تعداد آیات سوره های قرآن $n(۱), n(۲), \dots, n(۱۱۴)$

تعداد کل سوره ها قرآن S

تعداد کل آیات قرآن N

$$۶۲۳۴ \ ۱۱۴ \ ۱۲۳۴۵۶۷ \ ۱۲۳۴۵ \dots\dots\dots ۲۸۶ \dots\dots\dots ۱۲۳۴۵۶ \ ۶۲۳۴ \ ۱۱۴$$

$$N \ S \ ۱۲۳\dots n(۱) \ ۱۲۳\dots n(۲) \dots\dots\dots ۱۲۳\dots n(۱۱۴)N \ S$$

چهاردهمین عدد: عدد طویل دیگری که دارای ۱۲۷۷۴ رقم است، به این شکل تشکیل میشود که شماره هر آیه در هر سوره را مینویسیم، بدنبال آن تعداد آیات هر سوره باضافه شماره آن سوره. سوره ۱ دارای ۷ آیه است، و مجموع ۷+۱ میشود ۸. بنابراین، عددی که نشان دهنده سوره ۱ است به این شکل است: ۱۲۳۴۵۶۷ ۸. از آنجاییکه سوره ۲ دارای ۲۸۶ آیه است، عددی که نشان دهنده سوره ۲ است به این شکل است: ۲۸۶ ۲۸۸ ۱۲۳۴۵. این عمل برای هر سوره در قرآن انجام میشود. عدد نهایی ۱۲۷۷۴ رقم است و بر ۱۹ قابل قسمت است.

$$۱۲۰۲۳۴۵۶ \dots\dots\dots ۲۸۸۲۸۶ \dots\dots\dots ۱۲۳۴۵۸۱۲۳۴۵۶۷$$

$$(۷+۱) \ (۲۸۶+۲) \ (۱۱۴+۶)$$

حروف مقطعه و ارتباط شگفت انگیز آن با قرآن

۱-حروف مقطعه حروفی هستند که در اوایل ۲۹ سوره قرآن آمده است و تعداد آن حروف ۱۴ است و عبارتند از:

(ا - ل - م - ص -

ر - ك - ح - ي - ع - ط - س - ه - ق - ن)

"صراط علی حق نمسکه"

۲-اما نکته ای که جالب است این است که دقیقاً تعداد ۱۱۴ آیه در کل قرآن یافت میشود که کل ۱۴ حرف مقطعه در آنان موجود است!! همچنین میدانیم که $۱۱۴=۶*۱۹$ است.

لیست آن ۱۱۴ آیه به شرح زیر است:

=====

[۲:۲۸۲][۲:۲۷۵][۲:۲۶۰][۲:۲۳۷][۲:۲۲۸][۲:۲۲۰][۲:۲۱۷][۲:۲۱۳][۲:۱۸۷][۲:۱۴۰][۲:۶۱][۲:۱۹]
[۴:۱۰۲][۴:۹۲][۴:۹۰][۴:۶۹][۴:۴۷][۴:۴۶][۴:۴۳][۴:۳۴][۴:۴][۳:۱۵۴][۳:۱۲۰][۳:۹۳][۲:۲۸۶][۲:۲۸۵]
[۶:۱۱۹][۶:۷۱][۵:۱۱۰][۵:۹۶][۵:۹۵][۵:۸۹][۵:۷۵][۵:۵۳][۵:۳۳][۵:۱۳][۵:۶][۵:۵][۵:۳][۵:۲][۴:۱۲۹]
[۱۰:۴][۹:۱۲۱][۹:۷۱][۹:۴۲][۹:۳۴][۹:۲۹][۸:۱][۷:۱۶۸][۷:۱۶۰][۷:۱۳۱][۶:۱۵۲][۶:۱۵۱][۶:۱۳۹]
[۱۳:۳۱][۱۳:۴][۱۲:۱۰۱][۱۲:۸۰][۱۲:۵۱][۱۲:۳۶][۱۲:۹][۱۱:۸۸][۱۱:۸۱][۱۰:۹۳][۱۰:۲۷][۱۰:۲۴]
[۲۰:۱۳۵][۲۰:۱۳۲][۲۰:۱۳۰][۲۰:۷۱][۱۸:۶۳][۱۸:۴۵][۱۸:۲۸][۱۸:۱۸][۱۷:۳۳][۱۶:۷۶][۱۴:۲۲][۱۳:۴۱]
[۲۸:۱۰][۲۷:۵۹][۲۶:۴۹][۲۴:۶۱][۲۴:۵۸][۲۴:۵۶][۲۴:۴۱][۲۴:۳۱][۲۳:۲۷][۲۲:۵۴][۲۲:۱۹][۲۲:۱۱]
[۴۰:۷۸][۴۰:۶۴][۳۹:۶][۳۸:۲۴][۳۸:۲۲][۳۵:۱۱][۳۳:۷۱][۳۰:۴۸][۲۸:۸۲][۲۸:۳۸][۲۸:۲۳][۲۸:۱۹]
[۷۳:۲۰][۷۲:۲۸][۶۵:۱][۶۱:۱۴][۵۸:۴][۵۷:۲۵][۴۹:۷][۴۸:۲۹][۴۷:۳۲][۴۷:۱۵][۴۶:۳۰][۴۲:۵۲]

شما خود میتوانید با رجوع به قرآن عربی آن را چک کنید. به طور مثال آیه ۲:۱۹ شامل کلیه حروف مقطعه است .
[۲:۱۹] أو كصيب من السماء فيه ظلمت وبرد و برق يجعلون أصبعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت والله محيط
بالكافرين

حرف " ن " در سوره مبارکه قلم

جالب است بدانیم که تعداد این حرف در کل سوره ۶۸ به تعداد ۱۳۳ است. همانطور که میدانیم ۱۳۳ خود مضربی از ۱۹ است: $19 \times 7 = 133$

با کمال تعجب دقیقاً به تعداد ۱۳۳ آیه در کل قرآن وجود دارد که با عبارت "نون" ختم میابند. مثل آیات زیر:

[۲:۴] والذين يؤمنون بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون

[۸۱:۲۲] وما صاحبكم بمجنون

[۶۸:۳] وإن لك لأجراً غير ممنون

لیست آن ۱۳۳ آیه در زیر ذکر شده است:

[۲:۲۷۷][۲:۲۷۴][۲:۲۶۲][۲:۱۵۹][۲:۱۱۸][۲:۱۱۲][۲:۱۰۰][۲:۸۸][۲:۷۸][۲:۷۷][۲:۶۲][۲:۳۸][۲:۶][۲:۴]
[۶:۱۵۴][۶:۱۲۵][۶:۱۰۹][۶:۹۹][۶:۴۸][۶:۲۰][۶:۱۲][۵:۸۸][۵:۶۹][۵:۵۰][۵:۱۱][۳:۱۷۰][۳:۱۶۰][۳:۱۲۲]
[۱۰:۶۲][۱۰:۳۳][۹:۵۱][۸:۵۵][۷:۲۰۳][۷:۱۸۸][۷:۱۸۵][۷:۱۵۶][۷:۷۵][۷:۵۲][۷:۴۹][۷:۳۵][۷:۲۷]
[۱۵:۳۳][۱۵:۲۸][۱۵:۲۶][۱۵:۶][۱۴:۱۱][۱۳:۲][۱۳:۱][۱۲:۱۱۱][۱۲:۴۸][۱۱:۱۷][۱۰:۱۰۱][۱۰:۹۶]
[۲۷:۳][۲۶:۸۸][۲۶:۲۷][۲۳:۵۸][۲۳:۴۴][۲۳:۱][۲۱:۳۰][۲۱:۶][۱۹:۳۹][۱۶:۱۲۸][۱۶:۷۹][۱۶:۶۴][۱۶:۱۹]
[۲۹:۵۱][۲۹:۲۴][۲۹:۲][۲۸:۶۹][۲۸:۵۲][۲۸:۳][۲۷:۸۹][۲۷:۸۶][۲۷:۸۲][۲۷:۷۴][۲۷:۴۷][۲۷:۲۵]
[۳۷:۴۹][۳۷:۳۶][۳۶:۷۶][۳۶:۱۰][۳۶:۷][۳۴:۴۱][۳۴:۳۷][۳۲:۲۴][۳۲:۱۲][۳۱:۴][۳۰:۶۰][۳۰:۳۷][۳۰:۴]
[۴۵:۲۰][۴۵:۶][۴۵:۴][۴۴:۱۴][۴۴:۱۲][۴۳:۸۸][۴۳:۶۸][۴۱:۸][۴۰:۵۹][۳۹:۶۱][۳۹:۵۲][۳۷:۱۴۹][۳۷:۵۳]
[۵۶:۲۳][۵۲:۳۹][۵۲:۳۶][۵۲:۳۳][۵۲:۳۰][۵۲:۲۹][۵۲:۲۴][۵۱:۵۲][۵۱:۳۹][۵۱:۱۳][۴۶:۱۳][۴۵:۲۴]
[۷۷:۵۰][۶۹:۴۱][۶۸:۵۱][۶۸:۱۸][۶۸:۹][۶۸:۳][۶۸:۲][۶۴:۱۳][۶۰:۱۱][۵۸:۱۰][۵۶:۸۱][۵۶:۷۸][۵۶:۵۸]
[۹۵:۶][۸۴:۲۵][۸۴:۲۰][۸۱:۲۲]

حرف "ق" نماینده قرآن است و مجموع تعداد دفعات تکرار آن در دو سوره ای که با حرف مقطعه "ق" آغاز شده اند (سوره

های ۵۰ ق و ۴۲ شوری)، برابر تعداد سوره های قرآن است. (۵۷+۵۷=۱۱۴)

شماره سوره ق (۴۲) بعلاوه تعداد آیات این سوره (۵۳) مساوی با ۹۵ که 9×19

شماره سوره شوری (۴۵) بعلاوه تعداد آیات این سوره (۵۰) مساوی با ۹۵ که 5×19

حرف " ص " "سوره های ۷ (اعراف)، ۱۹ (مریم) و ۳۸ (ص) با حرف مقطعه "ص" شروع شده اند و مجموع تعداد دفعات تکرار این حرف در این سه سوره برابر $۱۵۲ = ۸ \times ۱۹$ می باشد.

حروف " یس " "سوره ۳۶ با حروف مقطعه "یس" شروع شده است و مجموع دفعات تکرار های این دو حرف در این سوره برابر $۲۸۵ = ۱۵ \times ۱۹$ است.

حروف "ک، ه، ی، ع، ص" "سوره ۱۹ (مریم) با پنج حرف مقطعه شروع می شود یعنی "ک، ه، ی، ع، ص" و کل تعداد دفعات تکرار این پنج حرف در این سوره هم برابر $۷۹۸ = ۴۲ \times ۱۹$ است.

حروف " ا، ل، م " "سوره ۲ (بقره) با حروف مقطعه " ا، ل، م " شروع می شود این سوره دارای $۹۸۹۹ = ۵۲۱ \times ۱۹$ دفعه تکرار این حروف است.

حروف " ا، ل، م " "همچنین سوره ۳ (آل عمران) با حروف مقطعه "ا، ل، م" آغاز شده است و دارای $۵۶۶۲ = ۲۹۸ \times ۱۹$ دفعه تکرار این حروف است.

حروف " ا، ل، م " "سوره های ۲۹ (عنکبوت)، ۳۰ (روم)، ۳۱ (لقمان) و ۳۲ (سجده) نیز با حروف مقطعه "ا، ل، م" شروع شده اند و مجموع تعداد تکرار های این حروف در هر یک از این سوره ها عبارت است از $۱۶۷۲ = ۸۸ \times ۱۹$ و $۱۲۵۴ = ۶۶ \times ۱۹$ و $۸۱۷ = ۴۳ \times ۱۹$ و $۵۷۰ = ۳۰ \times ۱۹$.

حروف " ا، ل، ر " "سوره های ۱۰ (یونس) و ۱۱ (هود) با حروف مقطعه "ا، ل، ر" آغاز شده اند و تعداد این حروف در هر یک از این سوره ها دقیقاً با هم برابر است و برابر $۲۴۸۹ = ۱۳۱ \times ۱۹$ می باشد.

حروف " ا، ل، ر " "همچنین سوره های ۱۲ (یوسف)، ۱۴ (ابراهیم) و ۱۵ (الحجر) با حروف مقطعه "ا، ل، ر" آغاز شده اند و تعداد تکرارهای این حروف در این سوره ها به ترتیب عبارت است از $۲۳۷۵ = ۱۲۵ \times ۱۹$ و $۱۱۹۷ = ۶۳ \times ۱۹$ و $۹۱۲ = ۴۸ \times ۱۹$.

حروف " ا، ل، م، ر " "سوره ۱۳ (رعد) با چهار حرف مقطعه "ا، ل، م، ر" شروع شده است و دارای $۱۴۸۲ = ۷۸ \times ۱۹$ دفعه تکرار از این حروف است.

حروف " ا، ل، م، ص " "سوره ۷ (اعراف) با حروف مقطعه "ا، ل، م، ص" آغاز شده است و تعداد تکرارهای این حروف در این سوره $۵۳۲۰ = ۲۸۰ \times ۱۹$ است.

حروف حم ("ح" و "م") در قرآن هفت سوره پیاپی (سوره های ۴۰ تا ۴۶) وجود دارد که با حروف مقطعه ی حم ("ح" و "م") شروع میشوند.

این سوره ها با هم روابط ریاضی عجیبی دارند که نامی جز معجزه بر آنها نمیتوان گذاشت. این روابط آنقدر دقیق و عجیب و شفاف هستند که هر انسانی را به شگفت وامیدارد و در میان معجزات ریاضی که تا حالا آنها را دیده ام این قسمت به نظر من از همه جالب تر است.

سوره	تعداد ح	تعداد م
سوره غافر (سوره ۴۰)	۶۴	۳۸۰
سوره فصلت (سوره ۴۱)	۴۸	۲۷۶
سوره شوری (سوره ۴۲)	۵۳	۳۰۰
سوره زخرف (سوره ۴۳)	۴۴	۳۲۴
سوره دخان (سوره ۴۴)	۱۶	۱۵۰
سوره جاثیه (سوره ۴۵)	۳۱	۲۰۰
سوره احقاف (سوره ۴۶)	۳۶	۲۲۵

رابطه ۱: اگر تعداد "ح" و "م" این هفت سوره را جمع کنید عدد حاصل ۲۱۴۷ میشود که مساوی است با ۱۱۳×۱۹

و اگر "ح" های این هفت سوره را جدا و "م" های آنها را جدا جمع کنید و بعد رقم‌های بدست آمده را باهم جمع کنید درست همان عدد ۱۱۳ بدست می‌آید.

منظور از رقمها عدد نیست مثلاً رقمهای عدد ۳۸۰، (۳) و (۸) و (۰)، و رقمهای عدد ۶۴، (۶) و (۴) میباشد.

$$۶۴ + ۳۸۰ + ۴۸ + ۲۷۶ + ۵۳ + ۳۰۰ + ۴۴ + ۳۲۴ + ۱۶ + ۱۵۰ + ۳۱ + ۲۰۰ + ۳۶ + ۲۲۵ = ۲۱۴۷ = ۱۹ \times ۱۱۳$$

حالا اگر رقمهای این اعداد را با هم جمع کنیم:

$$۶+۴+۳+۸+۰+۴+۸+۲+۷+۶+۵+۳+۳+۰+۰+۴+۴+۳+۲+۴+۱+۶+۱+۵+۰+۰+۳+۱+۲+۰+۰+۳+۶+۲+۲+۵ = ۱۱۳$$

می بینیم حاصل جمع این رقمها درست ۱۱۳ یعنی مساوی خارج قسمت ۲۱۴۷ به ۱۹ است.

رابطه ۲: اگر همین کار را با سه سوره اول (سوره ۴۰ و ۴۱ و ۴۲) انجام دهیم باز می بینیم حاصل جمع "ح" و "م" های این سوره‌ها را اگر به ۱۹ تقسیم کنیم مساوی حاصل جمع رقمهای "ح" و "م" این سه سوره میشود.

$$۶۴ + ۳۸۰ + ۴۸ + ۲۷۶ + ۵۳ + ۳۰۰ = ۱۱۲۱ = ۱۹ \times ۵۹$$

$$۶+۴+۳+۸+۰+۴+۸+۲+۷+۶+۵+۳+۳+۰+۰ = ۵۹$$

رابطه ۳: اگر ۴ سوره بعد یعنی سوره‌های ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ را مورد امتحان قرار دهیم باز همین رابطه بدست می‌آید.

$$۴۴ + ۳۲۴ + ۱۶ + ۱۵۰ + ۳۱ + ۲۰۰ + ۳۶ + ۲۲۵ = ۱۰۲۶ = ۱۹ \times ۵۴$$

$$۴+۴+۳+۲+۴+۱+۶+۱+۵+۰+۰+۳+۱+۲+۰+۰+۳+۶+۲+۲+۵ = ۵۴$$

رابطه ۴: اگر "ح" و "م" سه سوره ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را با هم جمع کنیم ۱۰۴۵ میشود

که اگر آنرا تقسیم به ۱۹ کنیم عدد ۵۵ بدست می‌آید که با حاصل جمع رقمهای "ح" و "م" مساوی است.

$$۴۸ + ۲۷۶ + ۵۳ + ۳۰۰ + ۴۴ + ۳۲۴ = ۱۰۴۵ = ۱۹ \times ۵۵$$

$$۴+۸+۲+۷+۶+۵+۳+۳+۰+۰+۴+۴+۳+۲+۴ = ۵۵$$

رابطه ۵: حال اگر "ح" و "م" چهار سوره ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۰ را با هم جمع کنیم عدد ۱۱۰۲ بدست میاید

که خارج قسمت آن به ۱۹ عدد ۵۸ بدست میاید که با حاصل جمع رقمهای "ح" و "م" مساوی است.

$$۱۶ + ۱۵۰ + ۳۱ + ۲۰۰ + ۳۶ + ۲۲۵ + ۶۴ + ۳۸۰ = ۱۱۰۲ = ۱۹ \times ۵۸$$

$$۱+۶+۱+۵+۰+۳+۱+۲+۰+۰+۳+۶+۲+۲+۵+۶+۴+۳+۸+۰ = ۵۸$$

ارزش های عددی حروف ابجد

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

چهار کلمه و ۱۹ حرف (بسم الله الرحمن الرحيم) چنان با یکدیگر، بنابر يك سیستم ریاضی متشکل گردیده است که با دانش و احساس بشری غیر قابل انجام میباشد. این سیستم قابل تعمق، بر اساس ارزشهای ابجدی این حروف بدست می آید که اطلاعات مورد نیاز برای شرح آن بطور خلاصه در زیر نشان داده شده است.

شماره کلمات	تعداد حروف	ارزشهای ابجدی	جمع ارزشها
۱ ب / س / م	۳	۴۰/۶۰/۲	۱۰۲
۲ ل / ل / ل / ه	۴	۵/۳۰/۳۰/۱	۶۶
۳ ل / ل / ر / ح / م / ن	۶	۵۰/۴۰/۸/۲۰۰/۳۰/۱	۳۲۹
۴ ل / ل / ر / ح / ی / م	۶	۴۰/۱۰/۸/۲۰۰/۳۰/۱	۲۸۹
جمع: ۱۹			جمع ارزشها ۷۸۶

۱۹ رابطه ی ریاضی بسم الله الرحمن الرحيم

۱- بسم الله الرحمن الرحيم ۱۹ حرف است.

۲- اگر شماره ترتیب هر کلمه ("بسم") (۱) و "الله" (۲) و "الرحمن" (۳) و "الرحيم" (۴) را بنویسیم، بعد از هر شماره تعداد حروف آن را بنویسیم عدد ۱۳۲۴۳۶۴۶ بدست میاید که قابل قسمت به ۱۹ است.

(شماره ترتیب هر کلمه برای تشخیص بهتر قرمز نوشته شده):

$$۱۳۲۴۳۶۴۶ = ۳۶۶۸۶ \times ۱۹ \times ۱۹$$

۳- اگر ترتیب کلمات را با شماره آن از آخر بنویسیم باز ضریب ۱۹ دارد:

$$۲۴۴۰۱۲۷ \times ۱۹ = ۴۶۳۶۲۴۱۳$$

۴- اگر بجای تعداد حروف هر کلمه جمع ارزش ابجدی آن را پس از شماره ترتیب آن بگذاریم باز قابل قسمت به ۱۹ است:

$$۵۸۰۱۴۰۱۷۵۲۳۳۱ \times ۱۹ = ۱۱۰۲۲۶۶۳۳۲۹۴۲۸۹$$

عجائبی از سوره فاتحه

تعداد آیات سوره حمد ۷ است، تعداد آسمانها ۷، تعداد زمینها ۷ ایام هفته ۷ روز، در مناسک حج تعداد دورهای حول کعبه ۷، ۷ بار سعی صفا و مروه، ۷ بار پرتاب سنگ در رمی جمرات و بسیاری نمونه

در بحث های دیگر از اعجاز های عدد ۷ صحبت می کنیم، در اینجا نیز نمونه هایی از این عدد شگفت را نشان می دهیم

تعداد درهای جهنم ۷۷ می باشد که از مضارب ۷ است $77 = 7 \times 11$

تعداد حروف در زبان عربی و قرآن ۲۸ است که مضربی از ۷ است $28 = 7 \times 4$

تعداد حروف مقطعه ۱۴ تا است که $14 = 7 \times 2$

و جالب اینکه تمام این ۱۴ حرف در سوره فاتحه آمده است

تعداد حروف مقطعه در سوره فاتحه (با تکرار) $119 = 7 \times 17$

تعداد حروف لفظ الجلالة الله یعنی (ا ل ه) در این سوره ۴۹ است که مضربی از ۷ است

در سوره فاتحه اولین آیه بسم الله الرحمن الرحيم ۱۹ حرف و آخرین آیه أنصرط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين ۴۳ حرف دارد. اگر این ۲ عدد را کنار هم بنویسیم ۴۳۱۹ بدست می آید که مضربی از ۷ است $4319 = 7 \times 617$

از میان ۲۸ حرف ابجد (حروف زبان عربی) ۱۰ حرف در اولین آیه و ۱۶ حرف در آخرین آیه این سوره آمده است

اگر این ۲ عدد را کنار هم قرار دهیم ۱۶۱۰ بدست می آید که بر ۷ بخشپذیر است

$$1610 = 7 \times 230$$

اگر تعداد کلمات اولین آیه (۴) و آخرین آیه (۱۰) را با هم جمع کنیم ۱۴ بدست می آید که مضربی از ۷ است

$$14 = 7 \times 2$$

اگر برای آخرین کلمات هر آیه یعنی (الرحيم - العلمين - الرحيم - الدين - نستعين - المستقيم - الضالين) تعداد حروف آنها را بنویسیم، مثلا الرحيم ۶ حرف و الی آخر، خواهیم داشت ۷-۶-۷-۵-۶-۸-۷

که عدد ۷۸۶۵۶۷۶ تا ۵ مرتبه بر ۷ بخشپذیر است ! $7865676 = 7 \times 7 \times 7 \times 7 \times 7 \times 7 \times 68$

ارتباط بسیار جالبی بین سوره فاتحه و معوذتین وجود دارد:

سوره فاتحه سوره ۱ دارای ۷ آیه و سوره فلق سوره ۱۱۳ و دارای ۵ آیه است، اگر این اعداد را کنار هم بنویسیم

باز هم عدد حاصل مضربی از ۷ است (۵-۱۱۳-۷-۱):

$$۷۳۰۵۳ \times ۷ = ۵۱۱۳۷۱$$

سوره فاتحه سوره ۱ دارای ۷ آیه و سوره ناس سوره ۴۷ و دارای ۶ آیه است مانند حالت قبل:

۷-۱-۱۱۴-۶: که این عدد ۲ بار به ۷ بخشپذیر است

$$۱۲۴۷۹ \times ۷ \times ۷ = ۶۱۱۴۷۱$$

فاتحه سوره شماره ۱ و دارای ۷ آیه و ۳۱ کلمه است در نتیجه: ترکیب ۱ - ۷ - ۳۱ :

$$۴۵۳ \times ۷ = ۳۱۷۱$$

اگر در این سوره برای هر کلمه تعداد حروف مشترک با (الله) یعنی حروف (ا ل ه) را بنویسیم مثلاً بسم هیچ حرفی از حروف الله ندارد پس عدد آن ۰ الله ۴ حرف مشترک ، الرحمن ۲ حرف مشترک (ا ل) و همینطور تا آخر که الضالین ۴ حرف مشترک دارد (ا ل ا ل) و آنها را کنار هم بنویسیم عددی ۳۱ رقمی خواهیم داشت:

(بسم الله الرحمن الرحيم * الحمد لله رب العلمين * الرحمن الرحيم * ملك يوم الدين * إياك نعبد وإياك نستعين * اهدنا الصراط المستقيم * صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين).

$$۴۲۰۲۲۰۲۱۲۰۲۲۳۰۲۰۰۲۲۰۱۲۲۳۰۳۲۲۲۴۰$$

در نهایت شگفتی این عدد بزرگ بر ۷ بخشپذیر است !

اگر این کار را تنها برای اولین آیه آن یعنی بسم الله الرحمن الرحيم انجام دهیم عدد ۲۲۴۰ بدست می آید که باز هم به ۷ بخشپذیر است $۲۲۴۰ = ۷ \times ۳۲۰$

اگر حروفی که در این سوره آمده را بنویسیم :

ا ل م ي ن ر ع ه ح ب د و س ك ت ص ط غ ض ق ذ

خواهد بود. حال این حروف را بر حسب میزان تکرار در این سوره مرتب می نماییم ، مثلاً حرف الف ۲۲ مرتبه، لام هم ۲۲ مرتبه م ۱۵ مرتبه و همینطور تا کمترین که قاف و ذال هستند که ۱ مرتبه آمده اند مرتب می کنیم

ا ل م ي ن ر ع ه ح ب د و س ك ت ص ط غ ض ق ذ

$$۱۱۲۲۲۲۳۳۳۴۴۴۵۵۶۸۱۱۱۴۱۵۲۲۲۲$$

$$۱۱۲۲۲۲۳۳۳۴۴۴۵۵۶۸۱۱۱۴۱۵۲۲۲۲$$

که این عدد هم بر ۷ بخشپذیر است

اگر همین کار را برای اولین آیه این سوره یعنی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (الفاتحه: ۱) انجام دهیم و حروف آن را به ترتیب میزان تکرار بنویسیم ۱۰ حرف بدست می آید

ل م أ ر ح ب س ه ن ي

۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۲ ۳ ۳ ۴

که عدد ۱۱۱۱۱۲۳۳۴ بر ۷ بخشپذیر است !

از دیگر عجایب این سوره نظم دقیق تشدید هاست! در هر آیه تعداد کلماتی که تشدید دارند را می نویسیم و اعداد حاصل را کنار هم قرار می دهیم. مثلاً در آیه اول یعنی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۳ کلمه الله-الرحمن -الرحيم تشدید دارند و همینطور در آیات دیگر الی آخر محاسبه می کنیم

شماره آیه: (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷)

تعداد حروف مشدد: ۳ ۱ ۲ ۱ ۲ ۲ ۳

که عدد ۳۱۲۱۲۲۳ بر ۷ بخشپذیر است !

حال اگر این عمل را برای هر کلمه انجام دهیم مثلاً بسم تشدید ندارد پس عدد آن ۰ است ، الله ۱ تشدید دارد و الی آخر که الضالین ۲ تشدید دارد. حال این اعداد را کنار هم می نویسیم :

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العلمين. الرحمن الرحيم. ملك يوم الدين. إياك نعبد وإياك نستعين. اهدنا الصراط المستقيم. صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين

عدد حاصل (۲۰۰۰۰۰۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰۱۱۰۱۱۰۱۱۰۱۱۰۱۱۰) که یک عدد ۲۹ رقمی است باز هم بر ۷ بخشپذیر است

برای هر آیه تعداد حروف آنرا می نویسیم ، مثلاً بسم ۳ حرف ، الله ۴ حرف ، الرحمن ۶ و الی آخر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶ ۶ ۴ ۳

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۷ ۲ ۳ ۵

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶ ۶

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

۵ ۳ ۳

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

۶ ۵ ۴ ۴

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

۸۵۵

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

۷۳۵۷۳۵۵۵۳

عدد را از آخر به اول می نویسیم

۷۳۵۷۳۵۵۵۳۸۵۵۶۵۴۴۵۳۳۶۶۷۲۳۵۶۶۴۳

در عین شگفتی این عدد نیز به ۷ بخشپذیر است

$۱۰۵۱۰۵۰۷۹۱۲۲۲۳۶۳۵۰۴۸۰۹۶۰۵۰۹۴۹ \times ۷ = ۷۳۵۷۳۵۵۵۳۸۵۵۶۵۴۴۵۳۳۶۶۷۲۳۵۶۶۴۳$

و اگر عدد را از راست به چپ بخوانیم: عدد حاصل بر ۱۷ بخشپذیر است که ۱۷ تعداد دفعاتی است که سوره فاتحه در نمازهای یومیه باید خوانده شود: ۷۳۵۷۳۵۵۵۳۸۵۵۶۵۴۴۵۳۳۶۶۷۲۳۵۶۶۴۳

$۴۳۲۷۸۵۶۱۹۹۱۵۰۹۰۸۵۴۹۲۱۶۰۲۰۹۷۹ \times ۱۷ = ۷۳۵۷۳۵۵۵۳۸۵۵۶۵۴۴۵۳۳۶۶۷۲۳۵۶۶۴۳$

اگر این روش را بدون احتساب بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ انجام دهیم باز هم عدد حاصل بر ۷ بخشپذیر است

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۷۲۳۵

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶۶

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

۵۳۳

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

۶۵۴۴

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

۸۵۵

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

۷۳۵۷۳۵۵۵۳

که عدد ۷۳۵۷۳۵۵۵۳۸۵۵۶۵۴۴۵۳۳۶۶۷۲۳۵ حاصل می شود

$$۱۰۵۱۰۵۰۷۹۱۲۲۲۳۶۳۵۰۴۸۰۹۶۰۵ \times ۷ = ۷۳۵۷۳۵۵۵۳۸۵۵۶۵۴۴۵۳۳۶۶۷۲۳۵$$

اگر این روش را برای آیه اول آن یعنی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ انجام دهیم باز هم عدد حاصل بر ۷ بخشپذیر است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶ ۶ ۴ ۳

عدد ۶۶۴۳ :

$$۹۴۹ \times ۷ = ۶۶۴۳$$

حتی اگر برای آخرین آیه آن نیز جداگانه همین عمل را انجام دهیم باز هم عدد حاصل مضربی از ۷ است: (صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

۷ ۳ ۵ ۷ ۳ ۵ ۵ ۵ ۳

عدد ۷۳۵۷۳۵۵۵۳ :

$$۱۰۵۱۰۵۰۷۹ \times ۷ = ۷۳۵۷۳۵۵۵۳$$

تعداد حروف آیه اول فاتحه یعنی (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) ۱۹ حرف و تعداد حروف آخرین آیه سوره فاتحه یعنی (صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ)، ۴۳ حرف است. اگر این ۲ عدد را کنار هم بگذاریم: ۴۳ ۱۹

عدد ۴۳۱۹ بدست می آید که مضرب ۷ است

$$۶۱۷ \times ۷ = ۴۳۱۹$$

تعداد کلمات آیه اول آن ۴ و تعداد کلمات آیه آخر آن ۹ است که اگر این ۲ عدد را کنار هم بگذاریم و عدد را از راست به چپ بخوانیم ۴۹ بدست می آید که مجزور ۷ است

سبحان الله

این همه شگفتی برای اثبات حقانیت قرآن کافی نیست

هنوز بعد ۱۴۰۰ سال این کتاب الهی دست نخورده و بدون تحریف باقی مانده است.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (الحجر: ۹) { ما آنرا برای یاد آوری نازل کردیم و مسلماً حافظ آن خواهیم بود }

آیا هنوز جایی برای این ادعا که قرآن کلام وحی نیست باقی می ماند؟

آیا کسی می تواند حتی ۱ آیه شبیه به آن بیاورد؟

قُلْ لَّيِّنَ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُؤَالُجُنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً (الاسراء: ۸۸) {بگو اگر تمام جن و انس جمع شوند که مانند این قرآن بیاورند، نمی توانند مانندش را بیاورند حتی اگر همدیگر را کمک کنند}

فلیأتوا بحديث مثله إن كانوا صادقين [(الطور: ۳۴/۵۲)]

{پس اگر راست می گویند گفتاری مانند آن را بیاورند}

شگفتی دیگر:

اگر ۳۰ عددی را که در قرآن نام آنها آمده است (مانند واحد، خمس، سبع، الف و....) را به ترتیب از کوچک به بزرگ بنویسیم (بدون تکرار)، خواهیم داشت:

۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۹ - ۲۰ - ۳۰ - ۴۰ - ۵۰ - ۶۰ - ۷۰ - ۸۰ - ۹۰ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۲۰۰ - ۳۰۰ - ۱۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ - ۵۰۰۰ - ۵۰۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰

میبینیم که اولین عدد ۱ و آخرین عدد ۱۰۰۰۰۰ است. اگر اعداد را از انتها به ابتدا کنار هم بنویسیم یک عدد ۷۱ رقمی حاصل می شود:

۱۰۰۰۰۰۵۰۰۰۰۵۰۰۰۳۰۰۰۲۰۰۰۱۰۰۰۳۰۰۲۰۰۱۰۰۹۹۸۰۷۰۶۰۵۰۴۰۳۰۲۰۱۹۱۲۱۱۱۰۹۸۷۶۵۴۳۲۱

در عین شگفتی این عدد ۷۱ رقمی بر ۷ بخشپذیر است!!!!

$1428578571500004286000142900285858568672291471717017301569664903 \times 7 =$

۱۰۰۰۰۰۵۰۰۰۰۵۰۰۰۳۰۰۰۲۰۰۰۱۰۰۰۳۰۰۲۰۰۱۰۰۹۹۸۰۷۰۶۰۵۰۴۰۳۰۲۰۱۹۱۲۱۱۱۰۹۸۷۶۵۴۳۲۱

این شگفتی به اینجا ختم نمی شود ، اگر این عدد بزرگ را از راست به چپ بر اساس بخشپذیری به ۷ جدا کنیم دقیقاً ۶ عدد بدست می آید که همگی بر ۷ بخشپذیرند !!!!!!!

$15696649 \times 7 = 109876543,3 \times 7 = 21$

$173 \times 7 = 1211$

$28585856867229291471717 \times 7 = 200100998070605040302019$

$4286000142900 \times 7 = 300020001000300$

$\times 7 = 100000500005000$

چه کسی جز خدا می تواند چنین نظمی بیافریند؟؟

آیا این معجزه الهی به تنهایی برای حقانیت قرآن کافی نیست؟

اعجاز عددی و ریاضی کلمه مسیح در قرآن:

کلمه (عیسی) در قرآن (۲۵) مرتبه، (ابن) ۳۵ مرتبه و کلمه (مریم) ۳۴ مرتبه تکرار شده است، اگر این اعداد را کنار هم بنویسیم:

عیسی ابن مریم

۲۵ ۳۵ ۳۴

عدد ۲۵ ۳۵ ۳۴ بدست می آید که بر ۷ بخشپذیر است:

$$۲۵ \ ۳۵ \ ۳۴ \times ۷ = ۴۹۰۷۵$$

تعداد حروف کلمه (عیسی) ۴ و کلمه (ابن) ۳ و کلمه (مریم) ۴ می باشد:

عیسی ابن مریم

۴ ۳ ۴

از کنار هم قرار دادن این اعداد ۴۳۴ بدست می آید که باز هم بر ۷ بخشپذیر است

$$۴۳۴ \times ۷ = ۳۰۳۸$$

در قرآن از حضرت عیسی علاوه بر (عیسی ابن مریم) به شکل دیگری مثل (المسیح ابن مریم) نیز معرفی شده است. شگفت آنکه برای این اسم نیز همین نظام دقیق بر قرار است:

کلمه (المسیح) در قرآن (۱۱) مرتبه، کلمه (ابن) ۳۵ مرتبه، و کلمه (مریم) ۳۴ بار در قرآن تکرار شده است

المسیح ابن مریم

۱۱ ۳۵ ۳۴

که باز هم عدد ۳۴۳۵۱۱ از مضارب ۷ است

$$۳۴۳۵۱۱ \times ۷ = ۲۴۰۴۵۷۷$$

در جایی دیگر خداوند مسیح (ع) را اینگونه معرفی می کند:

(إنما المسيح عيسى ابن مريم رسول الله) [النساء: ۱۷۱]،

یعنی: {همانا مسیح، عیسی پسر مریم و رسول خداست}

در اینجا نیز همین نظام را برای عبارت: (المسیح عیسی ابن مریم رسول الله) بررسی میکنیم

المسیح عیسی ابن مریم رسول الله

۶ ۴ ۳ ۴ ۴ ۴

که عدد (۴۴۴۳۴۶) نیز از مضارب ۷ است:

$$63478 \times 7 = 444346$$

و عجیب تر اینکه جمع ارقام (۴۴۴۳۴۶) تعداد دفعاتی است که کلمه عیسی در قرآن آمده است:

$$6 + 4 + 3 + 4 + 4 + 4 = (20)$$

و همچنین مجموع تعداد تکرار هر کدام از کلمات : (المسیح) - (عیسی) - (ابن) - (مریم) در قرآن بر ۷ بخشپذیر است:

$$11 + 20 + 35 + 34 = 100$$

$$10 \times 7 = 70$$

آیا چنین نظم دقیقی می تواند تصادفی باشد!!!

علاوه بر این مورد اعجاز جالب دیگری را در رابطه با

کلمه عیسی و آدم (ع) در قرآن ملاحظه بفرمایید:

حضرت عیسی و آدم (ع)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (آل عمران: ۵۹).

>> همانا مثل عیسی در نزد خدا ، همچون آدم است، که او را از خاک آفرید ، و سپس به او فرمود "موجود باش!" او هم فوراً موجود شد <<

این آیه اشاره ای به خلقت اولیه حضرت عیسی و آدم (ع) و همسان بودن خلقت آنها دارد و در رد شبهه بدون پدر بودن حضرت مسیح این حقیقت را بیان می کند.

از بررسی آماری اسامی عیسی و آدم در قرآن به روابط بسیار جالبی می رسیم که همانند بودن این دو پیامبر را نشان می دهد

کلمه عیسی در قرآن ۲۵ مرتبه و کلمه آدم نیز ۲۵ مرتبه در قرآن تکرار شده است

این آیه تنها آیه ایست که در آن هر دو کلمه عیسی و آدم با هم آمده است ، از ابتدای قرآن تا این آیه این هفتمین بار است که کلمه آدم تکرار شده است و نیز عجیب اینکه هفتمین بار است که کلمه عیسی ذکر شده است!

النحل والنمل والعنکبوت:

در قرآن ۳ سوره به نام حشرات است که عبارت اند از: النحل والنمل والعنکبوت

میان این ۳ سوره روابط ریاضی بسیار جالب و شگفت انگیزی برقرار است:

شماره سوره نحل ۱۶ و شماره سوره نمل ۲۷ می باشد اگر این ۲ عدد را کنار هم قرار دهیم عدد ۲۷۱۶ بدست می آید که بر ۷ بخشپذیر است

تعداد آیات سوره نحل ۱۲۸ و تعداد آیات سوره نمل ۹۳ می باشد. اگر این ۲ عدد را کنار هم قرار دهیم عدد ۹۳۱۲۸ بدست می آید که باز هم بر ۷ بخشپذیر است

حال این نتایج را با هم ترکیب می کنیم ، یعنی سوره نحل سوره ۱۶ و دارای ۱۲۸ آیه و نمل سوره ۲۷ و دارای ۹۳ آیه است. از به ترتیب کنار هم قرار گرفتن این اعداد ۹۳۲۷۱۲۸۱۶ بدست می آید که باز هم بر ۷ بخشپذیر است ! ۹۳۲۷۱۲۸۱۶ = ۷ × ۱۳۳۳۲۴۴۶۸۸

اولین آیه سوره نحل شماره ۱ و آخرین آیه شماره ۱۲۸ است، اگر این دو عدد را کنار هم قرار دهیم عدد ۱۲۸۱ حاصل می شود که مضربی از ۷ است

اولین آیه سوره نمل شماره ۱ و آخرین آیه شماره ۹۳ است، اگر این دو عدد را کنار هم قرار دهیم عدد ۹۳۱ حاصل می شود که مضربی از ۷ است

اولین آیه سوره عنکبوت شماره ۱ و آخرین آیه شماره ۶۹ است، اگر این دو عدد را کنار هم قرار دهیم عدد ۶۹۱ حاصل می شود که مضربی از ۷ است

همچنین عنکبوت سوره ۲۹ و دارای ۶۹ آیه است که از کنار هم گذاشتن این ۲ عدد ۶۹۲۹ بدست می آید که مضربی از ۷ است

توضیحاتی در مورد عدد ۷ در قرآن :

از اولین سوره که عدد ۷ در آن ذکر شده یعنی بقره تا آخرین سوره که عدد ۷ در آن ذکر شده یعنی النبا ، ۷۷ سوره فاصله است، که ۷۷ مضربی از ۷ است

$$11 \times 7 = 77$$

اگر از لحاظ تعداد آیات نیز محاسبه کنیم بین اولین آیه که عدد ۷ در آن ذکر شده [البقرة ۲۹] تا آخرین آیه ای که ۷ در آن ذکر شده [النبأ ۱۲] ۵۶۴۹ آیه می باشد که این عدد نیز مضربی از ۷ است یعنی به ۷ بخشپذیر است

$$807 \times 7 = 5649$$

بین اولین آیه از سوره بقره (که اولین بار ۷ ذکر شده) تا آخرین آیه سوره النبا (که آخرین ۷ آمده)

۵۷۰۵ آیه آمده است که به ۷ بخشپذیر است

$$815 \times 7 = 5705$$

از ابتدای سوره بقره تا اولین آیه که عدد ۷ در آن آمده است (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) ۲۸ آیه وجود دارد که به ۷ بخشپذیر است

$$4 \times 7 = 28$$

و جالب اینکه از آخرین آیه ای که عدد ۷ در آن آمده: (وَبَيْنَنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا) [النبأ: ۱۲] تا انتهای سوره ۲۸ آیه وجود دارد

از اولین آیه قرآن تا آخرین آیه ای که عدد ۷ آمده ۵۷۱۲ آیه فاصله است که باز هم به ۷ بخشپذیر است!

$$816 \times 7 = 5712$$

عدد ۷ و کلمه " الله ":

کلمه الله اولین بار در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) [الفاتحة: ۱/۱] و آخرین بار در (اللَّهُ الصَّمَدُ) [الإخلاص: ۲/۱۱۲]. آمده است. حال به شگفتیهای عددی این نظم می پردازیم:

۱. سوره فاتحه اولین سوره و سوره اخلاص ۱۱۲ می باشد، که بین این دو سوره ۱۱۲ سوره است که ۱۱۲ به ۷ بخشپذیر است

$$16 \times 7 = 112$$

۲. بین این دو آیه ۶۲۲۳ آیه وجود دارد که ۲ مرتبه به ۷ بخشپذیر است:

$$127 \times 7 \times 7 = 6223$$

۳. تعداد حروف آیه (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) ۱۹ حرف و تعداد حروف (اللَّهُ الصَّمَدُ) ۹ حرف است که مجموع اینها می شود ۲۸

$$4 \times 7 = 28 = 9 + 19$$

۱۳ عددی مبارک است

دراولین و آخرین سوره قرآن:

تعداد آیات اولین سوره (فاتحه) ۷ و تعداد آیات آخرین سوره (ناس)

۶ می باشد که مجموع این ۲ عدد ۱۳ می شود

$$13 = 6 + 7$$

تعداد کلمات اولین سوره (فاتحه) ۳۱ و تعداد آیات آخرین سوره (ناس)

۲۱ کلمه است ، که مجموع این ۲ عدد نیز مضربی از ۱۳ است

$$4 \times 13 = 52 = 21 + 31$$

آخرین آیه قرآن (مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ) ۱۳ حرف دارد

با حروف مقطعه :

اولین سوره ای که با حروف مقطعه آغاز شده است سوره بقره

(الم) و آخرین آن سوره قلم که با (ن) آغاز شده است.

عجیب اینکه تعداد آیات سوره بقره ۲۸۶ است که مضربی از ۱۳

می باشد

$$22 \times 13 = 286$$

و تعداد آیات سوره قلم ۵۲ است که باز هم مضربی از ۱۳ است

$$4 \times 13 = 52$$

جالبتر آنکه مجموع آیات این ۲ سوره نیز مضربی از ۱۳ است

$$2 \times 13 \times 13 = 338 = 52 + 286$$

۲۹ سوره با حروف مقطعه آغاز شده اند که اگر تعداد آیات این سوره

ها را با هم جمع کنیم عدد ۲۷۴۳ بدست می آید که این عدد نیز بر

۱۳ بخشپذیر است (مضربی از ۱۳ است)

$$211 \times 13 = 2743$$

تعداد حروف پس از حروف مقطعه در آیات دارای حروف مقطعه

۷۸ است که ۷۸ نیز مضربی از ۱۳ می باشد

اگر تاریخ سه واقعه اصلی زندگی پیامبر را محاسبه کنیم:

بعثت : ۴۰ سالگی

هجرت : ۵۳ سالگی

وفات : ۶۳ سالگی

و این اعداد را با هم جمع کنیم عدد حاصل مضربی از ۱۳ خواهد بود

$$12 \times 13 = 156 = 63 + 53 + 40$$

حضرت محمد ۱۳ سال بعد از بعثت از مکه به مدینه مهاجرت کردند

رت علی (ع) در ۱۳ رجب متولد شدند و.....

باز هم می توان گفت ۱۳ یک عدد نحس است ددی نحس نیست ... خداوند هیچ عددی واقع بین باشیم

اعجاز حروف (الم) :

(الم) به ترتیب در سوره های ۱ - ۲ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ آمده است که اگر آنها را به ترتیب کنار هم بنویسیم:

البقرة آل عمران العنكبوت الروم لقمان السجدة

۱ ۲ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸

از چپ به راست اعداد را کنار هم قرار می دهیم و عدد ۱۸۱۷۱۶۱۵۲۱ به دست می آید

این عدد به ۷ بخشپذیر است

$$۲۵۹۵۹۴۵۰۳ \times ۷ = ۱۸۱۷۱۶۱۵۲۱$$

خارج قسمت این تقسیم یعنی ۲۵۹۵۹۴۵۰۳ نیز به ۷ بخشپذیر است

$$۳۷۰۸۴۹۲۹ \times ۷ = ۲۵۹۵۹۴۵۰۳$$

وباز هم خارج قسمت این تقسیم به ۷ بخشپذیر است

$$۵۲۹۷۸۴۷ \times ۷ = ۳۷۰۸۴۹۲۹$$

یعنی عدد ۱۸۱۷۱۶۱۵۲۱ که در ابتدا به دست آمد ۳ بار به ۷ بخشپذیر است

عجیب اینکه اگر ارقام خارج قسمت آخرین تقسیم یعنی ۵۲۹۷۸۴۷ را با هم جمع کنیم یعنی $۷+۴+۸+۲+۹+۵+۰+...$

عدد ۴۲ به دست می آید که باز هم به ۷ بخشپذیر است

$$۶ \times ۷ = ۴۲$$

در این ۶ سوره ۴ سوره مکی (یعنی در مکه نازل شده است) و ۲ سوره مدنی است (یعنی در مدینه نازل شده است). اگر سوره های مکی را کنار هم بنویسیم:

العنكبوت الروم لقمان السجدة

۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸

که عدد حاصل به ۷ بخشپذیر است

$$۲۵۹۵۹۴۵ \times ۷ = ۱۸۱۷۱۶۱۵$$

برای سوره های مدنی نیز :

البقرة آل عمران

۱ ۲

که ۲۱ مضرب ۷ است

الم اولین آیه از هر کدام از این سوره هاست یعنی عدد آیه آن ۱ است اگر این اعداد را کنار هم بگذاریم:

عدد ۱۱۱۱۱۱ به دست می آید که :

$$۱۵۸۷۳ \times ۷ = ۱۱۱۱۱۱$$

اگر تعداد آیات هر سوره را در زیر آن بنویسیم (به طور مثال سوره بقره ۲۸۶ آیه دارد و الی آخر) :

البقرة آل عمران العنكبوت الروم لقمان السجدة

۲۸۶ ۲۰۰ ۶۹ ۶۰ ۳۴ ۳۰

از چپ به راست عدد ۱۴ رقمی ۳۰۳۴۶۰۶۹۲۰۰۲۸۶ به دست می آید که بر ۷ بخشپذیر است

$$۴۳۳۵۱۵۲۷۴۲۸۹۸ \times ۷ = ۳۰۳۴۶۰۶۹۲۰۰۲۸۶$$

حتی اگر این اعداد را با هم جمع کنیم:

$$۶۷۹ = ۳۰ + ۳۴ + ۶۰ + ۶۹ + ۲۰۰ + ۲۸۶$$

عدد حاصل به ۷ بخشپذیر است

$$۹۷ \times ۷ = ۶۷۹$$

جالب اینکه حتی اگر ارقام اعداد فوق یعنی ۳۰۳۴۶۰۶۹۲۰۰۲۸۶ را با هم جمع کنیم باز هم عدد حاصل مضربی از ۷ است

$$۷ \times ۷ = ۴۹ = ۳ + ۰ + ۳ + ۴ + ۶ + ۰ + ۶ + ۹ + ۲ + ۰ + ۰ + ۲ + ۸ + ۶$$

اولین و آخرین سوره دارای الم

اولین سوره دارای الم بقره است و اولین آیه بعد الم (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) [البقرة: ۲/۲] می باشد

برای هر کلمه این آیه حروف الم را با آن می سنجیم ، مثلاً بین (ذلك) و (ال م) تنه‌احرف (ل) مشترک است پس عدد آن ۱ است ، بین (الكتاب) و (ال م) ۳ حرف مشترک است یعنی عدد آن ۳ است بین (لا) و (ال م) ۲ حرف مشترک است، (ریب) هیچ حرفی از (ال م) را دارا نیست پس عدد آن ۰ است و الی آخر

اعداد حاصل از این نظام را می نویسیم

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

۳ ۰ ۰ ۰ ۲ ۲ ۱

از چپ به راست عدد ۳۰۰۰۲۲۱ که بر ۷ قابل قسمت است به دست می آید

$$۴۲۸۶۰۳ \times ۷ = ۳۰۰۰۲۲۱$$

خارج قسمت این عدد نیز بر ۷ بخشپذیر است

$$۶۱۲۲۹ \times ۷ = ۴۲۸۶۰۳$$

و باز هم خارج قسمت جدید بر ۷ بخشپذیر است

$$۸۷۴۷ \times ۷ = ۶۱۲۲۹$$

یعنی عدد ۳۰۰۰۲۲۱ سه مرتبه بر ۷ بخشپذیر است

نکته جالب اینکه کلمه (الکتاب) در این آیه بدون الف و به صورت (اَلْکِتَابُ) آمده است در حالیکه اگر الکتاب بود عدد آن ۳ می شد و در این نظام دقیق که تا ۳ مرتبه بر ۷ بخشپذیر بود صدق نمی کرد، یا مثلاً اگر به جای (هُدًی لِّلْمُتَّقِینَ) می گفت (هدی للمؤمنین)، در این نظام شگفت انگیز صدق نمی کرد

میبینیم که چه دقت و ظرافتی حتی در آوردن یک الف در این کتاب الهی وجود دارد و حتی یک حرف پس و پیش نشده است، کتابی که حتی اگر تمام مردم زمین با هم جمع می شدند نمی توانستند آیه ای مثل آن با این همه دقت و ظرافت بسازند

آخرین سوره دارای الم سوره سجه است که اولین آیه بعد آن (تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ) [السجدة: ۲/۳۲] می باشد. در اینجا نیز مانند نمونه قبل عمل می کنیم و تعداد حروف مشترک هر کلمه با (ا ل م) را می نویسیم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱ ۲ ۰ ۰ ۱ ۰ ۴

اگر از چپ به راست ارقام را کنار هم بنویسیم عدد حاصل ۴۰۱۰۰۲۲۱ بر ۷ بخشپذیر است

$$۵۷۲۸۶۰۳ \times ۷ = ۴۰۱۰۰۲۲۱$$

و شگفت آنکه اگر از راست به چپ بنویسیم باز هم بر ۷ بخشپذیر است

$$۱۷۴۲۸۷۲ \times ۷ = ۱۲۲۰۰۱۰۴$$

تفاوت در کتابت برخی کلمات

حروف (الم) را در کلمات هر یک از آیات زیر بررسی و تعداد حروف مشترک را می نویسیم

(حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَنِتِينَ) [البقرة: ۲۳۸/۲].

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَنِتِينَ

۲ ۰ ۲۳۰ ۳۱۱ ۲

$$۳۱۴۶۱۴۷۳ \times ۷ = ۲۲۰۲۳۰۳۱۱$$

علاوه بر این حتی اگر ارقام فوق را با هم جمع کنیم عدد ۱۴ بدست می آید که مضربی از ۷ است

نکته اینکه کلمه صلاة به صورت صلوة در قرآن نوشته شده است که در غیر اینصورت در این نظام صدق نمی کرد

این نظام در مقطعی از آیه نیز بر قرار است:

(وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ) [آل عمران: ۷/۳]

وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ

۳۳۲۲۲۰

عدد ۳۳۲۲۲۰ دو مرتبه بر ۷ بخشپذیر است

$$۶۷۸۰ \times ۷ \times ۷ = ۴۷۴۶۰ \times ۷ = ۳۳۲۲۲۰$$

(وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ) [آل عمران: ۷/۳]

وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ

که عدد ۴۳۳۰۲۰ :

$$۶۱۸۶۰ \times ۷ = ۴۳۳۰۲۰$$

نکته این که کلمه (الْأَلْبَاب) به صورت (الْأَلْبَب) در قرآن نوشته شده است

(إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) [آل عمران: ۳۷/۳]:

إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

۱۰۱۱۰۳۱

که عدد ۱۰۱۱۰۳۱

$$۱۴۴۴۳۳ \times ۷ = ۱۰۱۱۰۳۱$$

اگر ارقام ۱۰۱۱۰۳۱ را نیز با هم جمع کنیم :

$$۷ = ۱ + ۱ + ۱ + ۳ + ۱$$

آخرین دعا در سوره بقره:

(أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) [البقرة: ۲۸۶/۲].

أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۲۳۱۲۳۱

اگر از چپ به راست بخوانیم: ۲۳۱۲۳۱

$$۳۳۰۳۳ \times ۷ = ۲۳۱۲۳۱$$

و حتی اگر از راست به چپ بخوانیم باز هم صادق است: ۱۳۲۱۳۲

$$۱۸۸۷۶ \times ۷ = ۱۳۲۱۳۲$$

قدرت و دقت در خلق و تصویر کردن انسان

(هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) [آل عمران: ۶/۳].

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ

۱۰۵۰۱۲۰

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۳۲۰۳۲۲

عدد را از چپ به راست می نویسیم

$$۴۵۷۶۰۳۰۰۷۱۶۰ \times ۷ = ۳۲۰۳۲۲۱۰۵۰۱۲۰$$

عدد را از راست به چپ می نویسیم

$$۳۰۰۷۱۶۰۳۲۸۹ \times ۷ = ۰۲۱۰۵۰۱۲۲۳۰۲۳$$

شگفت آنکه حتی مجموع ارقام آن نیز به ۷ بخشپذیر است

$$۳ \times ۷ = ۲۱ = ۳ + ۲ + ۳ + ۲ + ۲ + ۱ + ۵ + ۱ + ۲$$

همین آیه را با توزیع کلمه الله انجام می دهیم به این معنی که کلمه الله از (ا ل ه) تشکیل شده است ، برای هر کلمه تعداد حروف مشترک با (اله) را می نویسیم به طور مثال کلمه (هو) فقط یک حرف مشترک یعنی (ه) دارد ، (الذی) ۲ حرف مشترک و الی آخر.

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ

۱۰۴۰۰۲۱

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۲۲۱۳۳۲

عدد را از چپ به راست می نویسیم:

$$۳۱۶۱۸۸۷۲۰۰۰۳ \times ۷ = ۲۲۱۳۳۲۱۰۴۰۰۲۱$$

عجیب اینکه از راست به چپ هم بر ۷ بخشپذیر است !

$$۱۷۱۴۸۵۸۹۰۴۴۶ \times ۷ = ۱۲۰۰۴۰۱۲۳۳۱۲۲$$

در این حالت نیز مجموع ارقام این عدد ۲۱ میشود که مضربی از ۷ است

و باز شگفت آنکه تعداد کل حروف این آیه ۴۹ است که مجذور ۷ است

$$۷ \times ۷ = ۴۹$$

الم و سوره عنکبوت

اولین آیه بعد از الم

(أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) [العنکبوت: ۲/۲۹].

تعداد حروف مشترک هر کلمه با الم را مینویسیم

أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

۰۲۱۰۳۲۱۱۱۳۱

$$۳۰۰۴۵۸۷۳۳ \times ۷ = ۰۲۱۰۳۲۱۱۱۳۱$$

دومین آیه بعد از الم

(وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ) [العنکبوت: ۳/۲۹].

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

۲۱۲۱۱۰

الْكٰذِبِيْنَ لَيَعْلَمَنَّ وَ صَدَقُوا الَّذِيْنَ اللّٰهُ فَلَيَعْلَمَنَّ

۲۳۰.۱۲۳۳

$$۳۲۸۷۴۷۶۰.۱۷۳۰ \times ۷ = ۲۳۰.۱۲۳۳۲۱۲۱۱۰$$

علاوه بر این مجموع ارقام این عدد ۲۱ می شود که مضربی از ۷ است

سومین آیه بعد از الم

(أَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّئَاتِ اَنْ يَّسْبِقُوْنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُوْنَ) [العنكبوت: ۴/۲۹].

أَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّئَاتِ اَنْ يَّسْبِقُوْنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُوْنَ

۱۲۱۱۱۳۲۲۰۲

$$۱۷۳۰.۱۸۸۸۶ \times ۷ = ۱۲۱۱۱۳۲۲۰۲$$

چهارمین و پنجمین آیه بعد از الم

این ۲ آیه را در کنار هم محاسبه می کنیم

(مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ *

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) [العنكبوت: ۵/۲۹ - ۶].

نکته اینکه کلمه (يرجوا) در قرآن با الف و کلمات: (جهد، يجهد، العلمين) بدون الف آمده است

{{در جدول های زیر در بعضی موارد ممکن است به دلیل اشکال در منتقل کردن مطالب به صفحه وبلاگ بعضی اعداد به جای اینکه از چپ به راست نوشته شود برعکس از راست به چپ تصویر شود}}

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ

۲ ۳ ۲ ۱ ۳ ۲ ۱ ۱ ۱

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَمَنْ جَهْدَ فَإِنَّمَا

۳ ۰ ۱ ۰ ۴ ۳ ۰ ۰

يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

۴ ۰ ۱ ۳ ۱ ۱ ۰

عدد ۴۰۱۳۱۱۰۳۰۱۰۴۳۰۰۲۳۲۱۳۲۱۱۱ که عددی ۲۴ رقمی است بر ۷ بخشپذیر است

$$۵۷۳۳۰.۱۴۷۱۵۷۷۵۷۱۷۶۰.۱۸۸۷۳ \times ۷ = ۴۰۱۳۱۱۰۳۰۱۰۴۳۰۰۲۳۲۱۳۲۱۱۱$$

(مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ

اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ) [العنكبوت: ٤١/٢٩].

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ

۳ ۳ ۰ ۱ ۲ ۲ ۲

كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ

۱ ۱ ۰ ۱ ۱ ۲ ۲

الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۲ ۲ ۱ ۲ ۱ ۲

عدد ۲۱۲۲۱۲۱۲۱۱۰۱۱۲۲۳۳۰۱۲۲۲ رقمی است و ۲ بار بر ۷ بخشپذیر است

$$۴۵۱۴۵۳۲۸۵۹۴۳۳۳۲۶۷۸ \times ۷ \times ۷ = ۲۱۲۲۱۲۱۲۱۱۰۱۱۲۲۳۳۰۱۲۲۲$$

این نظام حتی برای مقطعی از این آیه نیز برقرار است

قسمت اول از لحاظ معنایی:

(مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا). یعنی (مثل کسانی که غیر از خدا و تشکیلات الهی را به عنوان ولی اختیار می کنند مانند عنکبوتی است که برای خود خانه ای اختیار کرده است)

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ

۳ ۳ ۰ ۱ ۲ ۲ ۲

كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا

۱ ۱ ۲ ۲

$$۱۶۰۳۳۲۸۷۴۶ \times ۷ = ۱۱۲۲۳۳۰۱۲۲۲$$

قسمت دوم از لحاظ معنایی:

(وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ) یعنی (در حالی که سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است ، اگر می دانستند)

وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۲ ۲ ۱ ۲ ۱ ۲ ۱ ۱ ۰

$$۳۱۶۰۱۷۳۰ \times ۷ = ۲۲۱۲۱۲۱۱۰$$

و نیز در مقاطعی از دیگر آیات :

(إِنَّ اللَّهَ لَعَنِي عَنِ الْعَالَمِينَ) [العنكبوت: ۶/۲۹].

ریاضی در قرآن – علی ایمانی

إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

٤٠١٣١

این عدد ۳ مرتبه بر ۷ بخشپذیر است

$$117 \times 7 \times 7 \times 7 = 40131$$

(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ

مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ) [لقمان: ۳۰/۳۱].

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ

۱۰۲۱۰۲۰۳۱۱

دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

۲۳۰۳۱۰۳۰

$$32901471574431473 \times 7 = 230310301021020311$$

(قُلْ إِنْ تَخْشَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَوْنَ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) [آل عمران: ۲۹/۳].

(قُلْ إِنْ تَخْشَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَوْنَ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) [آل عمران: ۲۹/۳]. وإذا ما عبرنا عن كل كلمة برقم يمثل ما تحويه هذه الكلمة من حروف الألف واللام والميم:

قُلْ إِنْ تَخْشَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَوْنَ يَعْلَمُهُ

۲۰۱۱۰۲۱۱۱

اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

۰۲۰۳۰۲۲۰۳

الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۰۰۱۱۳۰۳

حاصل عدد ۰۰۱۱۳۰۳۰۲۰۳۰۲۲۰۳۲۰۱۱۰۲۱۱۱ می شود

$$114717186029028728873 \times 7 = 0011303020302203201102111$$

(مَا خَلَقْتُمْ وَلَا بَعْتُمْ إِلَّا كُنُفُسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ) [لقمان: ۲۸/۳۱].

مَا خَلَقْتُمْ وَلَا بَعْتُمْ إِلَّا كُنُفُسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

$$۰۱۳۱۰۰۳۱۲۰۲۲$$

$$۱۸۷۱۴۷۳۱۴۶ \times ۷ = ۰۱۳۱۰۰۳۱۲۰۲۲$$

اگر کلمه (وحدة) با الف به صورت واحده نوشته می شد در این نظام صدق نمی کرد
(وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) [العنكبوت: ۶۰/۲۹].

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا

$$۱۳۱۲۲۱۱۱۰$$

وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

$$۴۳۰۰۳۰$$

$$۶۱۴۳۲۸۷۵۸۸۸۷۳۰ \times ۷ = ۴۳۰۰۳۰۱۳۱۲۲۱۱۱۰$$

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) [النجم: ۴۳/۵۳].

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

$$۰۰۳۰۱۲۰۰۲۰$$

$$۴۳۰۲۸۶۰ \times ۷ = ۳۰۱۲۰۰۲۰$$

اگر این آیه را از نظر معنایی به دو جمله تقسیم کنیم باز هم در این نظام صدق می کند

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

$$۲۰۰۲۰$$

$$۲۸۶۰ \times ۷ = ۲۰۰۲۰$$

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

$$۰۰۳۰۱$$

$$۴۳ \times ۷ = ۳۰۱$$

(فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ) [الطور: ۳۴/۵۲].

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

$$۰۲۱۲۰۳$$

عدد را چه از راست به چپ چه از چپ به راست بخوانیم بر ۷ بخشپذیر است

$$۰۳۰۲۹ \times ۷ = ۰۲۱۲۰۳$$

$$۴۳۱۶۰ \times ۷ = ۳۰۲۱۲۰$$

اگر این آیه را از نظر معنایی به دو جمله تقسیم کنیم باز هم در این نظام صدق می کند

(فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ) : یعنی (پس سخنی همانند آن بیا ورید)

$$29 \times 7 = 203$$

(إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ) یعنی (اگر راست می گویند)

$$3 \times 7 = 21$$

و حتی اگر خارج قسمت ها را کنار هم قرار دهیم بر ۷ بخشپذیر است: ۳۲۹

$$47 \times 7 = 329$$

(وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا) [النساء: ۸۷/۴].

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

۱ ۳ ۱ ۱ ۱ ۰

$$18730 \times 7 = 131110$$

(وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ

إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) [العنكبوت: ۴۶/۲۹].

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

۱ ۰ ۲ ۳ ۲ ۲ ۲ ۲ ۰

إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي

۲ ۳ ۲ ۰ ۲ ۳ ۲ ۳

أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ

۳ ۰ ۳ ۰ ۳ ۲ ۰ ۳ ۲

وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

۳ ۱ ۰ ۰ ۰

عدد حاصل عددی ۳۱ رقمی است : ۹۰۳۷۹۸۹۲۲۲۱۶۶۸۳۱۴۹۳۶۵۳۳۵۹۵۴۰ × ۷ × ۷ × ۷ =
است

$$9037989222166831493653359540 \times 7 \times 7 \times 7 =$$

حتی این نظام در جمله اول این آیه صدق می کند

(وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) یعنی (با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید)

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

۱۰۲۳۲۲۲۰

عدد فوق چه از راست به چپ و چه به عکس بر ۷ بخشپذیر است

$$۱۴۶۱۷۴۶۰ \times ۷ = ۱۰۲۳۲۲۲۰$$

$$۳۱۷۴۷۴۳ \times ۷ = ۲۲۲۲۳۲۰۱$$

حتی اگر دو خارج قسمت را یعنی ۱۴۶۱۷۴۶۰ و ۳۱۷۴۷۴۳ را کنار هم ترکیب کنیم باز هم عدد فوق بر ۷ بخشپذیر است

$$۴۵۳۵۳۴۷۳۵۱۶۷۸۰ \times ۷ = ۳۱۷۴۷۴۳۱۴۶۱۷۴۶۰$$

آخرین سوره نازل شده:

(إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ . وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ

فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا . فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا) [النصر: ۱/۱۱۰-۳].

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ

۳۱۰۲۰۳۰۱۲

يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

۱۰۳۳۰۰۱

رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

۲۱۱۱۰۰

که عدد : ۲۱۱۱۰۰۱۰۳۳۰۰۱۳۱۰۲۰۳۰۱۲ بر ۷ بخشپذیر است

$$۴۳۰۸۱۶۵۳۷۳۴۷۲۰۶۱۶۳۸۸ \times ۷ \times ۷ = ۲۱۱۱۰۰۱۰۳۳۰۰۱۳۱۰۲۰۳۰۱۲$$

و در آیه ای دیگر: (إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا) [الفتح: ۱/۴۸]،

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

۲۱۱۱۲

$$۳۰۱۶ \times ۷ = ۲۱۱۱۲$$

دیگر حروف مقطعه:

این نظام برای دیگر حروف مقطعه نیز برقرار است که از آن جمله:

حم

اگر حروف حم را در این آیات مقایسه کنیم باز هم همین نظام صدق می کند

وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) [فصلت: ٤٢/٤١].

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ

١ ٠ ٠ ٠ ٠ ١ ٠ ٠ ٠

خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

٢ ٢ ١ ٠ ٠

که ٢ بار بر ٧ بخشپذیر است

$$٣١٥٧١٥٧١٤٣٠٠٠ \times ٧ = ٢٢١٠٠١٠٠٠٠١٠٠٠$$

$$٤٥١٠٢٢٤٤٩٠٠٠ \times ٧ = ٣١٥٧١٥٧١٤٣٠٠٠$$

حتی مجموع ارقام خارج قسمت آن نیز به ٧ بخشپذیر است:

$$٦ \times ٧ = ٤٢$$

المر

حروف المر را با کلمات این آیه می سنجیم

(وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٍ) [الرعد: ٣٨/١٣]

وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ

١ ٣ ١ ١ ١ ٣ ١ ٢ ٠

اللَّهُ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٍ

١ ٢ ٢ ٣

$$١٧٤٧٣٣٠١٦١٦٠ \times ٧ = ١٢٢٣١٣١١٣١٢٠$$

جمع ارقام خارج قسمت نیز بر ٧ بخشپذیر است $٢١ = ٣ \times ٧$.

الر

(رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ) [إبراهيم: ٤٠/١٤]:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

١ ١ ٠ ٢ ١ ٠ ٠ ٣ ٠ ٢ ١

که عدد ١١٠٢١٠٠٣٠٢١ از مضارب ٧ است

(اِنَّ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْتَهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ [العنكبوت: ٤٥/٢٩].

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ

٣ ٢ ٠ ٢ ١ ٢ ١ ٢ ٢

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْتَهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ

٠ ٣ ٠ ٣ ٠ ٠ ٣ ١

لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

٠ ٢ ٢ ٣ ٠ ١ ٣ ١

العدد مصفوفاً: ٠٢٢٣٠١٣١٠٣٠٣٠٣١٣٢٠٢١٢١٢٢. هذا العدد أيضاً من مضاعفات الرقم سبعة فهو يساوي:

$$٣١٨٥٩٠١٤٧١٨٥٧٥٩٠٢٨٨٧٤٤٦ \times ٧ =$$

(ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ) [القلم: ١/٦٨-٥].

وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ

٠ ١ ١ ٠ ١ ٠ ٠ ٠ ٠

بِمَجْنُونٍ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

٢ ٠ ٠ ٠ ١ ٠ ٢

وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ

٠ ٠ ٠ ١ ٠

که:

$$١٤٥٧١٤٤٣١٤٤٤٣٠٠٠ \times ٧ = ٠٠٠١٠٢٠٠٠١٠٢٠١١٠١٠٠٠٠$$

که ٧ کلمه حاوی ن و ١٤ کلمه بدون ن است

$$٢ \times ٧ = ١٤$$

یس (قلب قرآن)

بررسی یس در سوره یاسین سه حالت دارد:

١. تعداد همه حروف ی و نیز س (همراه به بسم الله) در این سوره به ترتیب ٢٣٧ و ٤٨ می باشد که اگر کنار هم ترکیب کنیم عدد حاصل به ٧ بخشپذیر است

حرف الیاء حرف السین

٤٨ ٢٣٧

$$٦٨٩١ \times ٧ = ٤٨٢٣٧$$

۲. ۱. تعداد همه حروف ی و نیز س (بدون بسم الله) در این سوره به ترتیب ۲۳۶ و ۴۷ می باشد که اگر کنار هم ترکیب کنیم عدد حاصل به ۷ دوبرتبه بخشپذیر است

حرف الیاء حرف السین

۴۷ ۲۳۶

$$۹۶۴ \times ۷ \times ۷ = ۴۷۲۳۶$$

۳. تعداد همه حروف ی و نیز س (بدون بسم الله و خود آیه یس) در این سوره به ترتیب ۲۳۵ و ۴۶ می باشد که اگر کنار هم ترکیب کنیم عدد حاصل به ۷ بخشپذیر است

حرف الیاء حرف السین

۴۶ ۲۳۵

$$۶۶۰۵ \times ۷ = ۴۶۲۳۵$$

شگفت آنکه اگر خارج قسمت های ۳ حالت فوق را کنار هم بنویسیم، یعنی ۶۸۹۱ - ۹۶۴ - ۶۶۰۵ این عدد ۶۸۹۱ ۹۶۴ ۶۶۰۵ می شود که باز هم بر ۷ دو مرتبه بخشپذیر است:

$$۱۳۴۸۱۵۶۰۵۹ \times ۷ \times ۷ = ۶۶۰۵۹۶۴۶۸۹۱$$

حال تعداد حروف هر آیه بسمله را نسبت به حروف یس می سنجیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ ۰ ۰ ۱

$$۱۴۳ \times ۷ = ۱۰۰۱$$

همینطور نسبت به این آیات:

(یس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ) [یس: ۱/۳۶-۵]

یس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى

۱ ۲ ۰ ۰ ۱ ۰ ۰ ۲

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

۱ ۱ ۱ ۲ ۰

$$۱۵۸۸۵۸۸۵۷۲۸۶ \times ۷ = ۱۱۱۲۰۱۲۰۰۱۰۰۲$$

(فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) [یس: ۸۳/۳۶].

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۰ ۱ ۰ ۱ ۰ ۰ ۱ ۱ ۱

$$۱۴۴۲۸۷۳ \times ۷ = ۱۰۱۰۰۱۱۱$$

(الصلوات)

ا ل ص ل و ا ت

ا ۳۰ ۹۰ ۳۰ ۶ ۱ ۴۰۰ جمع = (۵۵۸)

اللهم صل على محمد و عاال محمد = (۵۵۸)

ا ۱۰۶ ۱۲۰ ۱۱۰ ۹۲ ۶ ۳۲ ۹۲ = (۵۵۸)

اللهم صل على على على ولى الله = (۵۵۸)

ا ۱۰۶ ۱۲۰ ۱۱۰ ۱۱۰ ۴۶ ۶۶ = (۵۵۸)

اللهم صل على سیده النساء = (۵۵۸)

ا ۱۰۶ ۱۲۰ ۱۱۰ ۷۹ ۱۴۳ = (۵۵۸)

اللهم صل على ابى الحسنين = (۵۵۸)

ا ۱۰۶ ۱۲۰ ۱۱۰ ۲۲۲ = (۵۵۸)

اللهم صل على حجه ابن الحسن = (۵۵۸)

ا ۱۰۶ ۱۲۰ ۱۱۰ ۲۲۲ = (۵۵۸)

اللهم صل على ابا صالح المهدي = (۵۵۸)

ا ۱۰۶ ۱۲۰ ۱۱۰ ۲۲۲ = (۵۵۸)

جالب که صلوات برای هر ۱۴ معصوم عدد ۵۵۸ را به ما میدهد!

اتفاقی ست؟!؟!؟!

خطبه بدون الف مولای متقیان علی علیه السلام

چنین روایت شده که وقتی اصحاب پیغمبر - صلی الله علیه و آله - با یکدیگر مذاکره می نمودند که کدام يك از حروف هجا در کلام زیادتیر استعمال می شود، بالاخره رأی همه بر آن قرار گرفت که الف زیادتیر در کلام می باشد. ناگاه حضرت امیر المؤمنین - علیه آلاف التحية و الثناء - وارد گردید و بدون آن که قبلاً فکر کند و ترتیب کلماتی دهد که در آن (۱): الف نباشد. این خطبه مفصل را بیان فرمود که هیچ الف در آن نیست و آن خطبه این است

. حَمْدُ مَنْ عَظُمَتْ مِنْهُ ، وَ سَبْعُ نِعْمَتِهِ ، وَ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُهُ ، وَ نَفَذَتْ مَشِيئَتُهُ ، وَ بَلَغَتْ حُجَّتُهُ ، جَوْ عَدَلَتْ قَضِيئَتُهُ . حمد می نمایم کسی را که مَنّت او بزرگست ، و نعمت او فراوانست ، و رحمت او پیشی گرفته است بر غضب او ، و علامات قدرت او تمام است ، و مشیت او فرو گرفته تمام موجودات را ، و حجت و برهان او همه جا رسیده ، و حکم او به عدل پیوسته .

حَمِدْتُ حَمْدَ مُقَرَّرٍ بِرُبُوبِيَّتِهِ ، مُتَخَضِّعٍ لِعِبَادِيَّتِهِ ، مُتَنَصِّلٍ مِنْ خَطِيئَتِهِ ، مُعْتَرِفٍ بِتَوْحِيدِهِ ، جَمْسْتَعِيذٍ مِنْ وَعِيدِهِ جَ مُؤَمِّلٍ مِنْ رَبِّهِ . مغفرة تُنْجِيهِ يَوْمَ يَشْعَلُ عَنْ فَصِيلَتِهِ وَ بَنِيهِ . خدا را حمد و ستایش می نمایم ؛ ستایش کسی که اقرار و اعتراف کننده است به پروردگاری او ، و دلیل می باشد برای بندگی او ، و از گناهان خود معذرت می خواهد ، و به یگانگی او اعتراف می نماید ، و پناه گیرنده به اوست از وعده های عذاب آخرت ، و از پروردگارش امیدوار می باشد آمرزش و مغفرتی که او را نجات دهد در روزی که شخص را از خویشان و پسرانش باز می دارد .

وَ نَسْتَعِيْنُهُ وَ نَسْتَرْشِدُهُ وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ ، وَ شَهِدْتُ لَهُ بِضَمِيرٍ مُخْلِصٍ مُوقِنٍ ، وَ فَرَدْتُهُ تَفَرِيدُ مُؤْمِنٍ مُتَّقِنٍ ، وَ وَحَّدْتُهُ تَوْحِيدَ عَبْدٍ مُذْعِنٍ ، لَيْسَ لَهُ شَرِيْكُفِي مُلْكِهِ ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ فِي صُنْعِهِ ، جَلَّ عَنْ مَشِيرٍ وَ وَزِيرٍ ، وَ جَنَّتْزُهُ جَ عَنْ جَمْتَلٍ وَ جَ نَظِيرٍ . عَلِمَ فَسْتَرُ ، وَ بَطَنَ فَخْبَرُ ، وَ مَلَكٌ فَقَهْرُ ، وَ عُصَى فَغَفَرُ ، جَوْ عُيُفَشَكْرَجَ وَ جَحَكَمَ فَعَدَلَجَ وَ تَكْرَمَ وَ تَفَضَّلَ ، لَمْ يُزَلْ وَ لَا يُزَلْ ، جَوْجَ (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) جَوْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ جَ وَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ .

و از او طلب یاری و ارشاد می نمایم ، و به او ایمان آورده ام ، و بر او اتکال و اطمینان داریم ، و به وحدانیت او شهادت می دهیم به یقین قلبی که خالص می باشد از شک و ریب ، و یکتا و منفرد می دانم خدا را ، و به یکتایی او ایمان و یقین دارم ، و به وحدت و به یگانگی او اعتراف می نمایم ؛ اعتراف بنده ای که بند اطاعت در گردن نهاده ، برای کسی که شریکی در ملک او نیست و برای او دوستی نیست که کمک کند او را در خلقت ، خدای تعالی بزرگست ، و اجل از این است که در کار خود با کسی مشورت نماید ، و برای او وزیر و مثل و مانندی نیست ، و او منزّه و مبرا می باشد ، و همه چیزها رامی داند و پنهان می دارد ، و از پنهان خبر می دهد ، و مالک تمام موجودات می باشد و بر آنها غالب است ، مخالفت امر او می نمایند و می آمرزد و می بخشد ، و چون عبادت کنند او را قبول فرماید ، و حکم او به عدل می باشد ، و همیشه بسیار اکرام و تفضل فرموده بر مخلوقات خود و همیشه خواهد فرمود ، و مثل او چیزی نیست ، و خدای تعالی پیش از هر چیزی بوده و بعد از هر چیزی خواهد بود .

رَبُّ مُتَقَرِّدٍ بِعَزَّتِهِ ، مَتَمَلِّكٌ بِقُوَّتِهِ ، مُتَقَدِّسٌ بِعُلُوِّهِ ، مُتَكَبِّرٌ بِسَمُوِّهِ ، لَيْسَ يَدْرِكُهُ بَصَرٌ ، وَ لَمْ يَحِطْ بِهِ نَظَرٌ ، قَوِيٌّ مُنْبِعٌ ، بِصِيرٌ سَمِيعٌ . ، جَعَلِيَّ حَكِيمٌ ، رُؤُوفٌ رَحِيمٌ ، عَزِيزٌ عَلِيمٌ .

یگانه است پروردگار به عزّت خود ، و (مالک هر چیزی است) ، و تمکن بر هر کاری دارد به قوّت خود ، و منزّه است از

صفات ممکنات به واسطه عبرت‌ری و علو خود، متکبر است به جلالت شأن خود. نمی بیند او را هیچ چشمی، و احاطه نمی کند به او هیچ قلبی، و خدای تعالی صاحب قوت و مقهور نشونده است، و بینا و شنوا و بلندمرتبه و درست کار است، رؤوف و مهربان و غالب و دانا می باشد.

عَجَزَ عَنْ وَصْفِهِ مِنْ يَصِفُهُ، وَ ضَلَّ عَنْ نَعْتِهِ مَنْ يَعْرِفُهُ، قَرُبَ فَبَعُدَ، وَ بَعُدَ فَقَرُبَ.

وصف کنندگان عاجزند وصف نمایند او را، عارفین و کسانی که می شناسند او را پی نبردند به صفات او، جزیرا که دارای صفات متضاده می باشد چ مثلاً این که هم نزدیک است و هم دور، و هم دور است و هم نزدیک.

يَجِيبُ دَعْوَةَ مَنْ يَدْعُوهُ، وَ يَرْزُقُ عَبْدَهُ وَ يَحْبُوهُ، ذُو لَطْفٍ خَفِيٍّ، وَ بَطْشٍ قَوِيٍّ، وَ رَحْمَةٍ مُوسِعَةٍ، وَ عِقَابٍ مُوجِعَةٍ: رَحْمَتُهُ جَنَّةٌ عَرِيضَةٌ مُوَقَّعَةٌ، وَ عِقَابُهُ جَحِيمٌ مُؤَصَّدَةٌ مُوَقَّعَةٌ.

اجابت می فرماید دعای کسی را که بخواند او را، و به بندگان روزی می دهد، و به آنها عطا و بخشش می نماید، و صاحب لطف و بخشش پنهان است، و سخت گیرنده با قوت می باشد، و دارای رحمت و اسعه و عقوبت دردناک است، و رحمت او بهشت بسیار وسیع خوب است، و مجازات او جهنم بسیار سخت محیط دردناک می باشد.

وَ شَهِدْتُ بِبَعْثِ مُحَمَّدٍ جَعِدَهُ وَجَّ رَسُولِهِ وَ صَفِيهِ، وَ حَبِيبِهِ وَ خَلِيلِهِ، بَعَثَهُ فِي خَيْرِ عَصْرِ، وَ جَفَى جَ حِينَ فِتْرَةٍ وَ كُفْرٍ، رَحْمَةً لِعِبِيدِهِ، وَ مَنًّا لِمُزَيَّدِهِ، خَتَمَ بِهِ نُبُوَّتَهُ، وَ قَوَّى بِهِ حُجَّتَهُ، فَوَعَظَ وَ نَصَحَ، وَ بَلَّغَ وَ كَذَحَ، رُؤُوفٌ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ، رَحِيمٌ جُولِيٌّ جَ سَخِيٌّ، زَكِيُّ رَضَى، عَلَيْهِ رَحْمَةٌ وَ تَسْلِيمٌ، وَ بَرَكَتُهُ جَوِّ تَعْظِيمٍ جَ وَ تَكْرِيمٌ، مِنْ رَبِّ غَفُورٍ رَحِيمٍ، قَرِيبٍ مُجِيبٍ.

شهادت می دهم به این که محمد، رسول خدای تعالی و بنده او و دوست برگزیده او می باشد، و خدای تعالی مبعوث گردانید او را به پیغمبری در بهترین زمان ها و در زمان منقطع بودن مردم از پیغمبران و در زمان کفر جو انقطاع زمان حضرت عیسی - علیه السلام - تا آن که رحمت و منت باشد برای بندگان، و خدای تعالی به وجود او ختم نمود نبوت و رسالت را، و به او قوی فرمود حجت و برهان خود را، و آن بزرگوار مردم را موعظه و نصیحت نمود و رسالت خود را به همه جا رسانید، و کوشش بلیغ فرمود در تبلیغ رسالت، رؤوف و مهربان بود به تمام مؤمنین، مهربان و ج دوست و سخی و پاکیزه و پسندیده بود. سلام و رحمت و برکت جلندمرتبیگی و ج کرامت از پروردگار آمرزنده مهربان بر او باد.

وَ صَبَّيْتُكُمْ مَعْشَرَ مَنْ حَضَرَ نِيَّ! بِوَصِيَّةِ رَبِّكُمْ، وَ دَكَّرْتُكُمْ بِسَنَةِ نَبِيِّكُمْ، فَعَلَيْكُمْ بِرَهْبَةٍ تَسْكُنُ قُلُوبَكُمْ، وَ خَشْيَةٍ تُذَرِّي دُمُوعَكُمْ، وَ تَقِيَّةٍ تُنَجِّبُكُمْ قَبْلَ يَوْمِ يَبْلِيكُمْ، وَ يَذْهَبُ فِيهِ مَنْ ثَقُلَ وَزْنُ حَسَنَتِهِ وَ خَفَّ وَزْنُ سَيِّئَتِهِ.

ای کسانی که حاضر می باشید نزد من! توصیه می کنم شما را به چیزی که خداوند تعالی توصیه فرموده است شما را به آن، و آن این است که تقوا را پیشه خود قرار دهید، و شما را متذکر می گردانم به سنت و طریقه پیغمبر - صلی الله علیه و آله - شما، و بر شما باد به ترس از خداوند که ساکن کند قلب شما را از این که خیال نافرمانی او را کنید، و بر شما باد به خوفی از هیبت و بزرگی خداوند تعالی که جاری سازد اشک شما را. و بر شما باد به پرهیزکاری و تقوایی که نجات دهد شما را از روزی که پوسیده کند شما را، و روزی که هول آن روز باز دارد شما را از هر چیزی، و روزی که فایز می گردد در آن روز کسی که وزن حسنات او سنگین باشد و وزن گناهان او سبک باشد.

وَلْتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ مَسْأَلَةً ذُلًّا وَ خُضُوعًا، وَ شُكْرًا وَ خُشُوعًا، وَ تَوْبَةً وَ نُزُوعًا، وَ نَدَمًا وَ رُجُوعًا،

و سؤال کنید از خداوند متعال در حالت ذلت و مسکنت و شکر و ترس و توبه و بازداشتن خود را از نافرمانی حق تعالی و پشیمانی از گناهان و بازگشت به سوی خدای تعالی - جل ذکره.

وَأَلْيَعْتِمُ كُلُّ مُعْتِمٍ مِنْكُمْ صِحَّتَهُ قَبْلَ سَقَمِهِ ، وَ شَبِيبَتَهُ قَبْلَ هَرَمِهِ ، وَ سَعَتَهُ قَبْلَ عَمَمِهِ ، وَ خَلَوَتَهُ قَبْلَ شُغْلِهِ ، وَ حَضَرَهُ قَبْلَ سَفَرِهِ ، قَبْلَ جَهْوجِ يَكْبَرٍ وَ يَهْرَمٍ وَ جِمْرَضٍ وَ وَيَسْفُمٍ ، وَ يَمْلُهُ طَبِيبُهُ ، وَ يَعْزِضُ عَنْهُ حَبِيبُهُ ، وَ يَتَغَيَّرُ عَقْلُهُ ج ، وَ يَنْقَطِعُ عَمْرُهُ . ثُمَّ قِيلَ : هُوَ مَوْعُوكٌ وَ جِسْمُهُ مَنَهُوكٌ

و باید صحت خود را غنیمت شمارد هر يك از شما پیش از آن که مریض شود، و جوانی خود را غنیمت بداند پیش از آن که پیر شود، و مال خود را غنیمت شمارد پیش از آن که فقیر شود، و خلوت و فراغت خود را غنیمت شمارد پیش از آن که مشغول شود، و در وطن بودن خود را غنیمت شمارد پیش از آن که مبتلا به سفر شود جیعنی این پنج چیز را غنیمت شمارد که از آنها توشه برای آخرت بردارد ج . پیش از آن که پیر شود و مریض گردد و طبیب از معالجه عوی مأیوس و ملول گردد و اعراض کنند از او دوستان او و عقل او تغییر کند و عمر او تمام شود و گفته شود که مرض او مزمن و سخت شده و بدن . اوناتوان و لاغر گشته جبرای آخرت خود توشه بردارد

ثُمَّ جَدَّ فِي نَزْعِ شَدِيدٍ ، وَ حَضَرَهُ كُلُّ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ ، فَشَخَصَ بِبَصَرِهِ وَ طَمَحَ بِنَظَرِهِ ، وَ رَشَحَ جَبِينَهُ ، وَ سَكَنَ حَنِينَهُ ، وَ جَذَبَتْ نَفْسُهُ ، وَ نَكَبَتْ عِرْسُهُ ، وَ حَفِرَ رَمْسُهُ ، وَ يَتِمُّ مِنْهُ وَلَدُهُ ، وَ تَفَرَّقَ عَنْهُ عَدَدُهُ ، وَ قُسِمَ جَمْعُهُ ، وَ ذَهَبَ بَصَرُهُ وَ سَمْعُهُ ، وَ كَفَنَ ج وَ مُدَّدَ جَوَّجُهُ ج وَ جُرَّدَ ، وَ عُرِّيَ وَ غُسِّلَ وَ نُشِفَ وَ سُجِّيَ ، وَ بُسِطَ لَهُ وَهْيُهُ ، وَ نُشِرَ عَلَيْهِ كَفَنُهُ ، وَ شُدَّ مِنْهُ دَقْفُهُ ، وَ قُصَصَ وَ عُمَمَ جَوِّ لَفِ ج وَ وَدَّعَ وَ سَلَّمَ ، وَ حُمِلَ فَوْقَ سَرِيرٍ ، وَ صُلِّيَ عَلَيْهِ بِتَكْبِيرٍ ، وَ نُقِلَ مِنْ دُورِ مَرْحَرَقَةٍ ، وَ قُصُورٍ مُشِيدَةٍ ، وَ حُجِرٍ مُنْضَدَةٍ ، فَجَعَلَ فِي ضَرْيَحٍ مَلْحُودٍ ، ضَيْقٍ مَوْصُودٍ ، بَلْبِنٍ مَنُضُودٍ ، مُسَقَّفٍ بِجُلْمُودٍ ، وَ هِيلٍ عَلَيْهِ حَفَرُهُ ، وَ حُثِيَ عَلَيْهِ مَدْرُهُ

پس از آن واقع می گردد در تلخی جان کردن ، آن وقت هر کسی از دور و نزدیک حاضر می گردد نزد او، و مژگان و پلک چشم خود را به بالا اندازد و از هول او راست می ایستد به بالا، و عرق مرگ در پیشانی وی ظاهر می گردد، و ناله او کم می شود، و نفس او گرفته می شود، و زن و عیال او در ماتم و عزای او می نشینند، جو قبر او کنده می شود ج ، و اولاد او یتیم می شوند، و مردم از دور او متفرق می شوند، و جمعیت او مبدل به تفرقه می گردد، و چشم و گوش او از کار می ایستد، و او را به قبله می کشند. و بعد از آن که کار او به اتمام رسید او را برهنه می نمایند و غسل می دهند و بدن او رامی خشکانند، و جروج به قبله می کشانند، و کفن را پهن می کنند و او را کفن می نمایند، و نخ او را می بندند، و پیراهن کفن را به بدن او می کنند، و علامه به سرش می پیچند، و پارچه سرتاسری روی آن می بندند، و اولاد و اهلس با او سلام وداع می نمایند، و او را بالای تخته تابوت می گذارند، و از غسلخانه بیرون می آورند، و بر او نماز می خوانند و خارج می گردانند او را از خانه هایی که زینت داده بود و قصرهای عالییه بلندی که بنا کرده بود و اتاق های تو در تو که مهیا نموده بود، و می گذارند او را در لحد قبری تنگ ، و روی لحد را با خشت محکم می بندند، و در بالای او سنگی می گذارند، و گودال قبر او را از خاک و ریگ پر می نمایند

فَتَحَقَّقَ حَذْرُهُ ، وَ نُسِيَ خَبْرُهُ ، وَ رَجَعَ عَنْهُ وَلِيَهُ جَوِّ صَفِيهِ ج وَ نَدِيمُهُ وَ نَسِيْبُهُ جَوِّ حَمِيْمُهُ ج ، وَ تَبَدَّلَ بِهِ قَرِيْنُهُ وَ حَبِيْبُهُ جَوِّ صَفِيهِ ج وَ نَدِيمُهُ ج ، فَهُوَ حَشْوُ قَبْرِ ، وَ رَهِيْنُ قَفْرِ ، يَسْعَى فِي جِسْمِهِ دُودُ قَبْرِهِ ، وَ يَسِيلُ صَدْيُوهُ مِنْ مَنْخَرِهِ ، يَسْحَقُ ثَوْبُهُ جَوِّ لَحْمُهُ ، وَ يَنْشَفُ دَمُهُ ، وَ يِرْقُ عَظْمُهُ حَتَّى يَوْمِ حَشْرِهِ

پس محقق می گردد ترس او، و فراموش می شود خبر او. بعد از آن کسان وی او را تنها می گذارند و از او می گریزند، (و کم کم اسم او فراموش می شود)، و نزد دوست و همدم خبر وی محو می گردد، و دوست و رفیق و ندیم او مبدل می شوند. پس او میان قبر بی کس ماند، و می خورند بدن او جراج کرم های قبرش ، و از سوراخ بینی او خون و کثافت جاری گردد، و می پوسد کفن او، و گوشت بدنش می ریزد، و خون او خشك می گردد، و استخوان او پوسیده می گردد تا وقتی که قیامت برپا شود

فَيُنْشَرُ مِنْ قَبْرِهِ ، وَ يَنْفُخُ فِي صُورٍ ، وَ يَدْعَى لِحَشِيرٍ وَ نُشُورٍ ، فَكَمْ بُعْثِرَتْ قُبُورٌ ، وَ حُصِّلَتْ صُدُورٌ ، وَ جِيَءَ بِكُلِّ نَبِيٍّ وَ صَدِيقٍ وَ شَهِيدٍ ، وَ قَصِدَ لِلْفَصْلِ بَعْدَهُ خَيْرٌ بَصِيرٌ

آن وقت به امر حق تعالی اجزای بدن او در قبر جمع می شود، و در صور نفخه دمیده می شود، و مردگان زنده می گردند، و آنها را حاضر می گردانند در صحرای محشر، جقیرها شکافته می شود و ظاهر می گردد آنچه در باطن آنها پنهان بوده، و سخنران و گوینده را، و پروردگار عالم بیننده (توانا به تنهایی حکم) در روز محشر می آورند تمام انبیا و اولیا و شهدای فرما می شود در کار بندگان خود

فَكَمْ مِنْ زَفْرَةٍ تُضْنِيهِ ، وَ حَسْرَةٍ تُنْضِيهِ ، فِي مَوْقِفٍ مَهُولٍ جَعْظِيمٍ جَ ، وَ مَشْهَدٍ جَلِيلٍ جَسِيمٍ جَ ، بَيْنَ يَدَيِ مَلِكٍ كَرِيمٍ ، بِكُلِّ صَغِيرَةٍ جَ وَ كَبِيرَةٍ جَ عَلِيمٌ

و چه بسیار در آن روز که نفس در سینه حبس می گردد و سنگین می نماید صاحبش را، و چه بسیار حسرت و ندامت ها که گوشت شخص را آب می نماید، و می ایستد در يك ایستگاه با هول بزرگی در مقابل پادشاه کریم بزرگ شانی که بر هر گناه کوچک و بزرگ بندگان خود عالم و داناست

فَحِينُنْذِ لِحِمِّهِ عَرْفَهُ ، وَ يَحْقِرُهُ قَلْفَهُ ، عَبْرَتُهُ غَيْرُ مَرْحُومَةٍ ، وَ صَرَخَتُهُ غَيْرُ مَسْمُوعَةٍ ، وَ حُجَّتُهُ غَيْرُ مَقْبُولَةٍ ، جَو تَوَلَّ صَحِيفَتُهُ جَ ، جَوْجٌ تَبَيَّنَ جَرِيدَتُهُ ، وَ جَنْطَقَ كُلُّ عَضْوِمَنِهِ بِسُوءِ عَمَلِهِ ، فَشَهِدَتْ عَيْنُهُ بِنَظَرِهِ ، وَ يَدُهُ بِبِطْشِهِ ، وَ رِجْلُهُ بِخَطْوِهِ ، وَ جِلْدُهُ بِمَسِّهِ ، وَ فَرْجُهُ بِلَمْسِهِ ، جَو يَهْدُدُهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ ، وَ كُشِفَ عَنْهُ بَصِيرٌ جَ

در آن وقت از هیبت و بزرگی پروردگار و ترس از غضب او و شرمندگی و پشیمانی از لغزش های خود عرق سر تا پای او جراح فرو می گیرد. پست و بیچاره می کند او را، و سخت می شود قلق و اضطراب او، ولی افسوس که در آن وقت کسی به گریه و بیچارگی او رحم نمی کند و به ناله او گوش نمی دهد و حجت و دلیل او را قبول نمی کند

و بر می گردانند نامه اعمال او را به سوی او، و گناهان او هویدا می گردد، و هر يك از اعضای وی گویا می شوند و شهادت می دهند به اعمال بدی که از آنها صادر گشته . چشم شهادت می دهد به آنچه که دیده، دست شهادت می دهد به آنچه کرده از انواع ظلم و ستم، پا شهادت می دهد به حرکاتی که از وی ناشی شده، پوست بدن او شهادت می دهد به آنچه او به آنها رسیده، فرج شهادت می دهد به آنچه لمس کرده، و منکر و نکیر سخت او را می ترسانند، آن وقت چشم بصیرت او باز می شود و عالم می گردد به قبايح اعمال خود

فَسُلْسِلَ جِيدُهُ ، وَ غُلَّتْ يَدُهُ ، وَ سِيقَ يَسْحَبُ وَحْدَهُ ، فَوَرَدَ جَهَنَّمَ بَكْرَبٍ شَدِيدٍ ، وَ ظَلَّ يَعْذَبُ فِي جَحِيمٍ ، وَ يَسْقَى شَرِبَةً مِنْ حَمِيمٍ ، تَشْوَى وَجْهَهُ ، وَ تَسْلُخُ جِلْدَهُ ، يَضْرِبُهُ زَبِينَتُهُ بِمَقْمَعٍ مِنْ حَدِيدٍ ، جَوْجٌ يَعُودُ جِلْدَهُ بَعْدَ نُضْجِهِ بِجِلْدٍ جَدِيدٍ ، يَسْتَغِيثُ فَتُعْرِضُ عَنْهُ خَزَنَةُ جَهَنَّمَ ، وَ يَسْتَصْرِخُ فَيَلْبَثُ حَقْبَةً يَنْدَمُ

پس از آن زنجیر در گردن او می گذارند و دست های او را غل می کنند و با سختی و تنهایی او را می کشند. پس وارد جهنم می شود با غم و غصه سخت، و همیشه در جهنم معذب می باشد، و هرگاه تشنه شود او را سیراب می نمایند از آب گرمی که صورت او را بریان می کند و پوست بدن او را می کند، و باگرز آهنین ملانکه ای که موکل به جهنم هستند می زنند او را، و مبدل می شود پوست بدن او به پوست تازه بعد از سوختن (تا آن که به خوبی طعم عذاب را بچشد)، و هر چند به دربان جهنم التماس و استغاثه می نماید به فریادش نمی رسد و از وی روی می گرداند و او فریاد می کند. پس درنگ می کند (در جهنم مدت هشتاد سال (از سال های آخرت که يك روزش پنجاه هزار سال دنیا است

نَعُودُ بَرَبٍ قَدِيرٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ مُصِيرٍ ، وَ نَسْأَلُهُ عَفْوً مِنْ رَضَى عَنْهُ ، وَ مَغْفِرَةً مِنْ قَبْلِ مَنْهَ ، فَهُوَ وَلِيُّ مَسْأَلَتِي ، وَ مُنْجِحُ طَلِبَتِي . پناه می برم به پروردگار قادر از شرّ روزی که بر می گردیم به سوی او، و مسألت می نمایم از او که عفو و بخشش نماید بر ما مثل بخشش نمودنش به کسی که آمرزیده است او را و از وی خشنود می باشد، زیرا که اوست برآورنده حاجات و مطالب

من .

فَمَنْ رُحِزَ عَنْ تَعْذِيبِ رَبِّهِ سَكَنَ فِي جَنَّتِهِ بِقُرْبِهِ ، وَ خُلِدَ فِي قُصُورٍ مُثَبِّدَةٍ ، وَ مُكِّنَ مِنْ حُورٍ عِينٍ وَ حَفْدَةٍ ، وَ طِيفَ عَلَيْهِ بِكُنُوسٍ ، وَ سَكَنَ حَظِيرَةَ الْفَرْدُوسِ ، وَ تَقَلَّبَ فِي نَعِيمٍ ، وَ سُقِيَ مِنْ تَسْنِيمٍ ، وَ شَرِبَ مِنْ عَيْنٍ سَلْسِيلٍ ، مَمْزُوجَةٍ بِزَنْجِبِيلٍ ، مَخْتُومَةٍ بِمَسْكٍ وَ عَنَبٍ ، مُسْتَدِيمٍ لِلْحُبُورِ ، مُسْتَشْعِرٍ لِلسُّرُورِ ، جَوْجٍ بِشَرَبٍ مِنْ خُمُورٍ ، فِي رَوْضٍ جَمُشْرِقٍ جِ مُغْدَقٍ ، لَيْسَ يَصْدَعُ مِنْ شَرِبِهِ ، وَ لَيْسَ يَنْزِفُ

کسی که نجات یابد از عذاب پروردگار ساکن می گردد در بهشتی که محلّ قرب پروردگار است ، و قرار می گیرد در قصرهای بسیار بلند زینت شده ، و فرمان فرما می شود بر حور العین و خادم های بهشتی ، و پی در پی ظرف های شربت نزد او حاضر می نمایند، و در بهشت در مقام بلند و پاکیزه ساکن می شود، و زندگی می کند در نعمت های بهشتی ، و به او می نوشانند از تسنیم معطر بهشتی

و از چشمهء سلسبیل - که مخلوط گشته به زنجبیل و مهر شده به مشک و عنبر - سیراب می گردد، و همیشه در نعمت های بهشتی با حور و غلمان جاودان خواهد بود، و متنعم در خوشی و لذتی می باشد که انتها ندارد، و از مشروبات پاکیزهء خوشگوار بهشتی می آشامد، و در باغی که نورانی و با صفا و جویبار زیاد دارد می خرامد، و با آن که شراب بهشتی می آشامد در دسر نمی بیند و مست نمی گردد و عقل او هم زایل نمی شود

. هَذِهِ مَنَزَلَةٌ مِنْ خَشْيِ رَبِّهِ ، وَ حَذَرَ نَفْسِهِ جَمْعِصِيَّتِهِ ، وَ تِلْكَ عُقُوبَةُ مَنْ عَصَى مَشِئَتَهُ ، وَ سَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ مَعْصِيَةَ مُبْدِيهِ .

و این نعمت ها برای کسی می باشد که از پروردگار خود بترسد و بترساند نفس خود را از معاصی و نافرمانی حق تعالی ، و عذاب های جهنم برای کسی می باشد که فریفتهء نفس خود گردد و مرتکب نافرمانی ایجادکنندهء خودش شود و مخالفت امر او را نماید

و این که جزای معصیت کار جهنم است و سزای عبادت کننده بهشت می باشد مطلبی است حق و حکمی است از روی عدالت . جِيعَنَى خَدَاىَ مُتَعَالٍ اَز رَوَى عَدَالَتٍ دَر قِيَامَتِ هَر صَاحِبِ حَقِّى رَا بَه حَقِّى خُودِ مى رِسانَد

، نَزَلَ بِهِ رُوحٌ قُدُسٌ مَبِينٌ ، (ذَلِكَ قَوْلٌ فَصْلٌ ، وَ حُكْمٌ عَدْلٌ ، وَ خَيْرٌ قَصَصٍ قُصٍّ ، وَ وَعْظٌ جِبِّهِ نُصٍّ ، (تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ عَلَى نَبِيٍّ مَهْتَدٍ مَكِينٍ ، صَلَّاتٌ عَلَيْهِ رُسُلٌ سَفَرَةٌ ، مُكْرَمُونَ بَرَرَةٌ ، عُدَّتْ بِرَبِّ رَحِيمٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ رَجِيمٍ .

و این بیانات بهترین بیاناتی است که گفته شده ، و بهترین موعظه هایی است که از خدا و رسول - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - به آنها تصریح شده ، و اینها همانست که خدای حکیم در قرآن کریم به توسط جبرئیل بر پیغمبر - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - هدایت کنندهء ملائکهء مکرمین طلب رحمت می کنند بر آن پیغمبر - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، و پناه می گیریم به . ثابت قدم خود نازل فرموده . پروردگار رحیم از شرّ هر شیطان رانده شده

. فَلْيَنْصَرِّعْ مُنْصَرِّعُكُمْ ، وَ لْيَبْتَهِلْ مُبْتَهِلُكُمْ ، وَ نَسْتَغْفِرْ جَرْبُجَ كُلِّ مَرْبُوبٍ لِي وَلَكُمْ

و باید تصرّع و زاری نمایید نزد حق تعالی و به او پناه ببرید و (توبه کنید) و از خدای تربیت کنندهء مخلوقات طلب آمرزش می نمایم برای خودم و برای شما، و بس است مرا پروردگارم

«خطبه بی نقطه» حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب (علیه السلام)

*تذکر: نقطه هایی که روی «ه» «گرد (ة) میآید، چون در حال «وقف» خوانده نمیشود، لذا حرف نقطه دار محسوب نمیگردد.

این خطبه (که مانند خطبه بدون الف، معجزه ادبی آن حضرت است) از مراتب علمی و فکری مولای متقیان حکایت دارد، که بدون درنگ و تأمل، پس از صحبت اصحاب به ایراد آن پرداخته، و در مورد توحید و نبوت و صفات الهی، و سنت و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) میباید، و مردم را به تبعیت از آنحضرت، و خوداندیشی و خودسازی دعوت میفرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ أَهْلُ الْحَمْدِ وَ مَاوَاهُ، وَ لَهُ أَوْكُذُ الْحَمْدِ وَ أَحْلَاهُ، وَ أَسْعَدَ الْحَمْدِ وَ أَسْرَاهُ، وَ أَطَهَرَ الْحَمْدِ وَ أَسْمَاهُ، وَ أَكْرَمَ الْحَمْدِ وَ أَوْلَاهُ. الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، لَا وَالِدَ لَهُ وَ لَا وَلَدَ. سَلَطَ الْمُلُوكَ وَ أَعْدَاهَا، وَ أَهْلَكَ الْعُدَاةَ وَ أَدْحَاهَا. وَ أَوْصَلَ الْمَكَارِمَ وَ أَسْرَاهَا. وَ سَمَكَ السَّمَاءَ وَ عَلَّاهَا، وَ سَطَحَ الْمِهَادَ وَ طَحَّاهَا، وَ وَطَّاهَا وَ دَحَّاهَا، وَ مَذَّاهَا وَ سَوَّاهَا، وَ مَهَّدَهَا وَ وَطَّاهَا، وَ أَعْطَاكُمْ مَاءَهَا وَ مَرْغَاهَا، وَ أَحْكَمَ عَدَّ الْأُمَمِ وَ أَحْصَاهَا، وَ عَدَّلَ الْأَعْلَامَ وَ أَرْسَاهَا. إِلَهَ الْأَوَّلِ لَا مُعَادِلَ لَهُ، وَ لَا رَادَّ لِحُكْمِهِ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ السَّلَامُ، الْمَصُورُ الْعَلَامُ، الْحَاكِمُ الْوَدُودُ، الْمُطَهِّرُ الطَّاهِرُ، الْمُحْمُودُ أَمْرُهُ، الْمُغْفُورُ حَرَمُهُ، الْمَأْمُولُ كَرَمُهُ.

عَلَّمَكُمْ كَلَامَهُ، وَ أَرَاكُمْ أَعْلَامَهُ، وَ حَصَّلَ لَكُمْ أَحْكَامَهُ، وَ حَلَّلَ حَلَالَهُ، وَ حَرَّمَ حَرَامَهُ.

وَ حَمَلَ مُحَمَّدًا الرِّسَالَةَ، رَسُولَهُ الْمُكْرَمَ، الْمُسَوَّدَ الْمُسَدَّدَ، الطَّيَّهَرَ الْمُطَهَّرَ. أَسْعَدَ اللَّهُ الْأُمَّةَ لِعِلْوِ مَحَلِّهِ، وَ سُمُو سُودِدِهِ، وَ سَدَادِ أَمْرِهِ، وَ كَمَالِ مُرَادِهِ. أَطَهَرَ وَلَدَ آدَمَ مَوْلُودًا، وَ أَسْطَعَهُمْ سُعُودًا، وَ أَطْوَلَهُمْ عُمُودًا، وَ أَرْوَاهُمْ عُودًا، وَ أَصَحَّهُمْ عُهودًا، وَ أَكْرَمَهُمْ مُرْدًا وَ كَهُولًا.

صَلَاةُ اللَّهِ لَهُ وَ لِيَالِهِ الْأَطْهَارِ، مُسَلِّمَةً وَ مُكَرَّرَةً مَعْدُودَةً، وَ لِيَالٍ وَ ذُهُمِ الْكَرَامِ مُحْصَلَةً مُرَدَّدَةً، مَا دَامَ لِلِسَّمَاءِ أَمْرٌ مَرْسُومٌ، وَ حَدٌّ مَعْلُومٌ.

أَرْسَلَهُ رَحْمَةً لَكُمْ، وَ طَهَارَةً لأَعْمَالِكُمْ، وَ هُدًى دَارِكُمْ، وَ دُخُورَ عَارِكُمْ، وَ صَلَاحَ أَحْوَالِكُمْ، وَ طَاعَةَ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، وَ عِصْمَةَ لَكُمْ وَ رَحْمَةً.

إِسْمَعُوا لَهُ، وَ رَاعُوا أَمْرَهُ، وَ حَلَّلُوا مَا حَلَّلَ، وَ حَرَّمُوا مَا حَرَّمَ.

وَ اعْمُدُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - لِذَوَامِ الْعَمَلِ، وَ انْحَرُوا الْجُرُصَ وَ اعْمِدُوا الْكَسَلَ. وَ اذْرُوا السَّلَامَةَ، وَ جِرَاسَةَ الْمُلْكِ وَ رَوْعَهَا، وَ هَلَعَ الصَّدُورِ وَ حُلُولَ كُلِّهَا وَ هَمَّهَا.

هَلَكْ - وَ اللَّهُ - أَهْلُ الْإِصْرَارِ، وَ مَا وَلَدَ وَالِدٌ لِلْإِسْرَارِ. كَمْ مُؤَمِّلٍ أَمَلْ مَا أَهْلَكَهُ! وَ كَمْ مَالٍ وَ سِلَاحٍ أُعِدَّ صَارَ لِلْأَعْدَاءِ عَدَةً وَ عَمْدَةً!

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ دَوَامُهُ، وَ الْمُلْكُ وَ كَمَالُهُ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ سِعَ كُلِّ حِلْمٍ حِلْمُهُ، وَ سَدَدَ كُلِّ حُكْمٍ حُكْمُهُ، وَ حَذَرَ كُلِّ عِلْمٍ عِلْمُهُ.

عَصَمَكُمْ وَ لَوَاكُم، وَ دَوَامَ السَّلَامَةِ أَوْلَاكُمْ، وَ لِلطَّاعَةِ سَدَدَكُمْ، وَ لِلْإِسْلَامِ هَذَاكُمْ، وَ رَحِمَكُمْ وَ سَمِعَ دُعَاءَكُمْ، وَ طَهَّرَ أَعْمَالَكُمْ، وَ أَصْلَحَ أَحْوَالَكُمْ.

وَ أَسْأَلُهُ لَكُمْ دَوَامَ السَّلَامَةِ، وَ كَمَالِ السَّعَادَةِ، وَ الْآلَاءِ الدَّارَةِ، وَ الْأَحْوَالِ السَّارَةِ؛

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ».

ترجمه خطبه بدون نقطه:

«ستایش مخصوص خدایی است که سزاوار ستایش و جایگاه لایق آن است. از برای اوست رساترین ستایش و شیرین ترین آن، و سعادت‌مندانه ترین ستایش و سخاوت بارترین (و شریف ترین) آن، و پاک ترین ستایش و بلند ترین آن، و ممتازترین ستایش و سزاوارترین آن. یگانه و یکتای بی نیاز (ی که همه نیازمندان و گرفتاران آهنگ او نمایند). نه پدری دارد و نه فرزندی. شاهان را (به حکمت و آزمون خود، بر مردم) مسلط ساخت و به تاختن واداشت. و ستمکاران (و متجاوزان) را هلاکت نمود و کنارشان افکند. و سجایای بلند را (به خلاق) رسانید و شرافت بخشید. و آسمان را بالا برد و بلند گردانید، بستر زمین را گشود و گسترش داد، و محکم نمود و گسترده ساخت، و آن را امتداد داد و هموار کرد (برای زندگی) آماده و مهیّا فرمود، و آب و مرتعش را به شما ارزانی داشت و تعداد اقوام را (برای زندگی در آن) به درستی (و حکمت) مقرر فرمود و بر شمار (یکایک) آنان احاطه یافت، و نشانه های بلند (هدایت) مقرر فرمود و آنها را بر افراشته و استوار ساخت. معبود نخستین که نه او را هم طرازی است و نه حکمش را مانعی. خدایی نیست جز او، که پادشاه است و سلام (مایه سلامت)، و صورتگر دانا، فرمانروای مهربان، و پاک و بی آایش است. فرمانش ستوده است و حریمش آباد (به توجه پرستندگان و نیازمندان) است و سخایش مورد امید.

کلامش (قرآن) را به شما آموخت و نشانه هایش را به شما نمایاند. و احکامش را برایتان دست یافتنی نمود. آنچه روا بود، حلال کرد؛ و آنچه ناروا بود، حرام نمود.

بار رسالت را بر دوش حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) افکند، (همان) رسول گرامی که بدو سروری و درستی (در گفتار و کردار و رفتار) ارزانی شده، پاک و پیراسته است. خداوند این اَمّت را به خاطر برتری مقام و بلندی شرف و استواری دین او و کامل بودن آرمانش سعادت بخشید. او بی آرایش ترین فرد از آدمیان در هنگامه ولادت، و فروزنده ترین ستاره خوشبختی و سعادت است. او بلند پایه ترین آنان (در نیاکان) است، و زیباترین آنها در (نسل و) شاخسار، و درست پیمان ترین، و کریم ترین آنان در نوجوانی و بزرگسالی است.

درود خداوند از آن او و خاندان پاکش باد، درودی خالص و پی در پی و مکرّر (برای خود آنان) و برای خاندان بزرگوار و دوست داشتنی آنان، درودی ماندگار و پیوسته (برای همیشه)، تا وقتی که برای آسمان حکمی مرقوم است و نقش و میزانی مقرر.

او را فرستاد تا برایتان رحمتی باشد و مایه پاکیزگی اعمالتان و آرامش سرای (زندگی) شما و برطرف شدن نقاط ننگ (و شرم آور کارها)تان، و تا مایه صلاح حالتان، و اطاعت شما از خدا و رسولانش، و موجب حفظ شما و رحمتی (بس بزرگ و فراگیر) باشد.

از او فرمان برید؛ و بر دستورش مواظبت ورزید؛ آنچه را حلال دانست، حلال بدانید؛ و آنچه را حرام داشت حرام بشمارید.

خدایتان رحمت کند! آهنگ کوششی پیوسته نمایید و آزمندی را از خود برانید و تنبلی را وا نهید. رسم سلامت و حفظ حاکمیت و بالندگی آن را، و آنچه را که موجب دغدغه سینه ها (و تشویش دلها) و روی آوردن درماندگی و پریشانی به آنهاست، بشناسید.

بخدا قسم، هلاک گشتند انسانهایی که اهل حرص و اصرار (بر خواسته های دنیوی و غریزی خود) هستند، و هیچ پدری فرزندی نیاورد که بتواند آنها را پنهان سازد (یعنی: همانگونه، هیچکس نمی تواند نتایج و عواقب کارهای خود را پنهان سازد). چه بسیار آرزومندی که در آرزوی چیزی بسر میبرد که مایه هلاک و نابودی اوست! و چه بسیار مال و سلاحی که (به خیال شخص، برای خودش) آماده گشته، ولی شمارش (آن مال موروّثی) و نیروی (ضربت) عمودها(ی آن سلاح بازمانده) نصیب دشمن انسان (پس از مرگ او) میشود!

بارخدا، سپاس همیشگی ترا، و پادشاهی کامل از آن تو. تو آن خدایی که بجز او خدایی نیست، بردباری او وسیع تر از هر بردباری دیگری است (و گویی همه را در بر گرفته)، و حکم و فرمان اوست که هر حکم و فرمان دیگر را استحکام و راستی بخشیده، و دانش اوست که هر دانش دیگر را پایین (و زیرمجموعه) خود قرار داده است.

خدا شما را از خطاکاری حفظ کند و از گناهان روگردان سازد، و سلامتی همیشگی شما ارزانی دارد، و شما را در راه طاعتش استوار و راستین گرداند، و بسوی اطاعت از دستورات اسلام هدایت فرماید، و مورد رحمت خویش قرار دهد، و دعایتان را بشنود (و اجابت فرماید)، و اعمالتان را پاکیزه سازد، و احوالتان را نیکو گرداند.

و (باز) از او میخواهم که سلامتی (دین و دنیای) شما را جاوید بدارد، و سعادت مندی شما را به کمال برساند، و نعمتهای خویش را بر شما پی در پی نثار کند، و حالات شما را (در زندگانی) مایه شادمانی قرار دهد. و ستایش، تنها سزاوار خداوند است».